

پیام های آسمان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تعلیم و تربیت اسلامی

پایه نهم

دوره اول متوسط

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب :	پیام‌های آسمان پایه نهم دوره اول متوسطه - ۹۰۲
بیدبداورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	پرویز آزادی، لیلا اخوان، محمد مهدی اعتصامی، سیدصادق پیشنمازی، سیدمحمدحسین تقوی، سیدمحمد دلبری، یاسین شکرانی، علی کاظمی و محمود متوسل آرانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی) پرویز آزادی، یاسین شکرانی و علی کاظمی (اعضای گروه تألیف) - سید اکبر میرجعفری (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - سیدعلی موسوی (طراح گرافیک، صفحه‌آرا، طراح جلد) - زنده یاد منوچهر درفشه، مسعود قره‌باغی، محمدیاسینی اردکانی، مهدی خواجویی، علی نورپور، حسین یوزباشی و امیر نساجی (تصویرگران) - فاطمه باقری مهر، شاداب ارشادی، فرنشته ارجمند، زینت بهشتی شیرازی، سپیده ملک ایزدی، ناهید خیام باشی، راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه : www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹
جایخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ پنجم ۱۳۹۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



مقام معظم رهبری:

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود.



فصل دوم: راهنماشناسی



۳۳

درس سوم
راهنمایان الهی



۴۵

درس چهارم
خورشید پنهان



۵۵

درس پنجم
رهبری در دوران
غیبت

فصل اول: خداشناسی



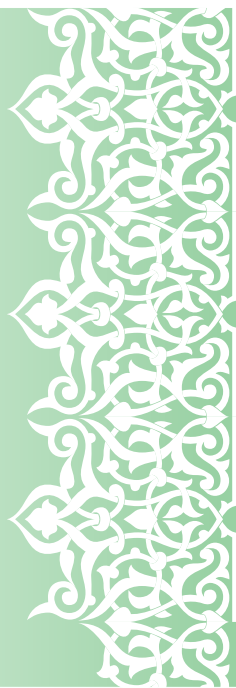
۱۱

درس اول
تورا چگونه بشناسم؟

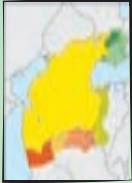


۲۱

درس دوم
در پناه ایمان



فصل پنجم: جامعه اسلامی



۹۷

درس نهم
انقلاب اسلامی
ایران



۱۰۹

درس دهم
مسئولیت همگانی



۱۱۹

درس یازدهم
اتفاق



۱۳۱

درس دوازدهم
جهاد

فصل سوم: راه و توشه



۶۵

درس ششم
وضو، غسل و تیمم



۷۵

درس هفتم
احکام نماز

فصل چهارم: اخلاق



۸۳

درس هشتم
همدلی و همراهی



دبیران محترم دینی

سلام علیکم

کتابی که امسال تدریس می‌کنید، آخرین کتاب از مجموعه کتاب‌های «پیام‌های آسمان» است. این کتاب دربردارنده مطالبی تأثیرگذار، مهم و عمیق است و آموزش آن با توجه به رشد فکری دانش‌آموزان در سال نهم، به این پایه تحصیلی موکول شده است.

دانش‌آموزان با ورود به این سن توانایی آن را می‌یابند که با نگاهی عقلانی به جهان پیرامون خود بنگرند و عقاید خویش را از نو و بر مبنای برهان و استدلال بازسازی کنند.

از همین رو، در این کتاب سعی شده است عقاید دینی مورد نیاز مخاطبان با نگاهی عقلانی و از طریق استدلال آموزش داده شود تا هم آنان را در رسیدن به اقصای عقلی یاری کند و هم بنیان محکمی برای عقاید دینی آنان بنا کند.

از شما همکاران محترم انتظار می‌رود تا در این پایه با همتی مضاعف به آموزش این کتاب بپردازید و پاسخگوی سؤالات و نیازهای فکری مخاطبان خود باشید.

این کتاب مشابه پیام‌های آسمان سال‌های هفتم و هشتم است. توصیه جدی ما در زمینه ارزشیابی، روش تدریس و تحلیل محتوای کتاب، مطالعه مقدمه کتاب‌های سال‌های گذشته و مراجعه به راهنمای معلم و راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه است.

همکاران محترم می‌توانند جهت مطالعه «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه»، مطالعه راهنمای معلم، دریافت نمونه سؤالات، اظهار هرگونه پیشنهاد و انتقاد درباره کتاب، طرح پرسش‌های محتوایی کتاب و دریافت جواب از کارشناسان مربوطه، و بهره‌برداری از محتواهای مختلف ارائه شده به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی زیر مراجعه کنند:



دانش آموزان کرامی!

دوستان خوبم، سلام

به شما تبریک می‌گویم که توانستید با تلاش و کوشش خود، پایه هشتم را با موفقیت، پشت سر بگذارید و به مرحله جدیدی از زندگی تحصیلی‌تان وارد شوید. راستی نه سال پیش را یادتان هست؟! وقتی که تازه می‌خواستید پا به کلاس و مدرسه بگذارید. شاید آن زمان با خود می‌گفتید: دوازده سال؟! چقدر زیاد! یعنی من باید دوازده سال در مدرسه درس بخوانم؟! اما اکنون وقتی به پشت سر نگاه می‌کنید، می‌بینید بخش زیادی از این مسیر را طی کرده‌اید!

یک سؤال!

آیا همان‌طور که سال به سال بر عمرتان افزوده می‌شود و از کلاسی به کلاس بالاتر می‌روید، بر اخلاق و ایمانتان هم اضافه می‌شود؟ آیا پله‌های خوب زیستن را هم مثل پله‌های عمر و زندگی به سرعت طی می‌کنید؟

امیدواریم پاسخ تک‌تک شما به این سؤال‌ها، مثبت باشد. از خدا می‌خواهیم که سرعت رشد و پیشرفت شما در علم و اخلاق و ایمان از سرعت گذران عمرتان، بیشتر باشد.

البته خودتان باید برای هرچه بهتر شدن تلاش کنید. ما هم برای شما دعا می‌کنیم. سعی کنید به آنچه تاکنون در کتاب‌های درسی؛ به‌ویژه در کتاب‌های دینی خوانده‌اید، عمل کنید و تصمیم جدی بگیرید تا به آن دسته از تعالیم دین که از این پس فرا می‌گیرید، به خوبی عمل کنید تا هر روز بهتر از گذشته باشید و طعم شیرین با خدا بودن را بچشید.

امیدواریم این کتاب بتواند شما را در طی نمودن مسیر سعادت و خوشبختی کمک کند. در این کتاب، مطالب تازه‌ای خواهید آموخت. مطالبی همچون راه‌های شناخت خدا، راه‌های افزایش ایمان به خدا، دوران غیبت امام زمان (ع) و چگونگی رهبری جامعه در این دوران، ویژگی‌های دوران ظهور، آشنایی با برخی از احکام نماز، راه شناخت دوستان خوب و ده‌ها مطلب جذاب و مفید دیگر.

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵، ۴۸۷۴ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی متوسطه نظری

خداشناسی

فصل اول

در کتاب پیام‌های آسمان سال هفتم و هشتم درباره برخی از صفات خداوند مطالبی را آموختیم. در این کتاب با دو موضوع مهم دیگر درباره خداشناسی آشنا می‌شویم:

درس اول (تو را چگونه بشناسم): در سال‌های گذشته با برخی از صفات خداوند آشنا شدیم؛ اینکه خدای مهربان مراقب ما و شاهد اعمال ماست؛ یاری‌رسان، عالم، قادر، غفار و پرده‌پوش است. حتماً شما دوست دارید خداوند را بیشتر از این‌ها بشناسید. ما در این درس دو راه مطمئن به شما نشان می‌دهیم تا به کمک آنها بتوانید با صفات بیشتری از خالق هستی آشنا شوید. این دو راه عبارت‌اند از: ۱- تفکر در کتاب آسمانی خداوند؛ یعنی قرآن ۲- تفکر در جهان آفرینش.

درس دوم (در پناه ایمان): با توجه به اینکه تاکنون درس‌های زیادی درباره خداوند خوانده‌ایم، حال باید بدانیم چگونه می‌توانیم با تمام وجود به خدایی که شناختیم، ایمان آوریم و بر ایمان خود بیفزاییم. همچنین می‌آموزیم که ایمان داشتن به خداوند چه ثمرات ارزشمندی در زندگی ما دارد.



درس اول

تورا چگونه بشناسم؟

نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
تو نمایندهٔ فضل، تو سزاوار ثنایی
بری از بیم و امیدی، بری از عیب و خطایی
نتوان شبهه تو جستن، که تو در وهم نیایی
نه بجنبی نه بگردی، نه بکاهی نه فزایی
همه نوری و سروری، همه جودی و سخایی^۱

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
بری از رنج و گدازی، بری از درد و نیازی
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی
بند این خلق و تو بودی، نبود خلق و تو باشی
همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

فعالیت کلاسی

۱- صفتهایی را که در این شعر به خدا نسبت داده شده است، بیان کنید.

.....
.....

۲- چه صفات دیگری از خدا می‌شناسید، که در این شعر به آن اشاره نشده است؟

۱- سنایی، شاعر قرن پنجم و ششم قمری.

راه‌های شناخت صفات خداوند

یکی از موضوعاتی که همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، یافتن راهی برای شناخت هرچه بهتر خالق و آفریدگار هستی است. بشر همواره به دنبال یافتن پاسخ این پرسش بوده است که خدایی که او و هستی را خلق کرده، و قرار است روزی به سوی او بازگردد، چگونه خدایی است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا او به همه چیز عالم است؟ او قادر به انجام دادن چه کارهایی است؟ او با بندگان خود چگونه رفتار می‌کند؟

یافتن پاسخ این پرسش‌ها، نیازمند دستیابی انسان به منبعی است که اطلاعاتی دقیق و حقیقی در اختیار او بگذارد تا با تکیه بر آن بتواند به شناختی صحیح و به دور از اشتباه و خطا دربارهٔ خداوند، دست یابد. البته ما انسان‌ها به دلیل توانایی‌های محدود خود، امکان شناخت کامل خدای نامحدود را نداریم؛ به همین دلیل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ^۱

آن چنان که شایستهٔ معرفت توست، تو را نشناختیم.

ما به قدر توان و درک خود، می‌توانیم به شناختی محدود از خداوند، دست یابیم؛ در این درس با دو راه که به ما در شناخت هرچه بیشتر خداوند کمک می‌کند، آشنا می‌شویم:

۱- تفکر در کتاب آسمانی

بهترین راه برای شناخت صفات خداوند، مراجعه به سخن خود اوست. توصیف خداوند از خود، توصیفی دقیق و بی‌نقص است که می‌تواند ما را در شناخت صحیح او، یاری دهد. با مراجعه به قرآن که سخن خداوند است، با آیات زیادی روبه‌رو می‌شویم که هر کدام به بیان بخشی از ویژگی‌ها و صفات خداوند می‌پردازد؛ قرآن کریم به ما می‌آموزد:

خداوند بر همه چیز آگاه است؛ او از آنچه در قلب ما می‌گذرد^۲، از آنچه چشم‌های ما می‌بیند^۳، و آنچه در گوش دیگران نجوا می‌کنیم، آگاه است^۴؛ او حتی از فرو افتادن برگ درختی در گوشه‌ای از

۳- سورهٔ غافر، آیهٔ ۱۹.

۲- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۱.

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۳.

۴- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۸.

جهان نیز باخبر است!؛ خلاصه اینکه هیچ چیز آشکار یا پنهانی نیست مگر آنکه خدا به آن علم دارد :

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى^۲
او هر آشکار و نهانی را می داند.

خداوند مهربان است و مهربانی او همه چیز و همه کس را در بر گرفته است^۳. او آن قدر مهربان است که مهرورزی بر بندگان را بر خود واجب کرده^۴ و خود را دوستدار آنان نامیده است :

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ^۵
او بسیار آمرزنده و دوستدار بندگان است.*

با وجود این، او مجازات کننده نیز است و کسانی را که به مبارزه با حق برمی خیزند و از گناه و سرکشی دست بر نمی دارند، از رحمت خویش محروم و به عذابی دردناک گرفتار می کند :

وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۶
و هر که با خدا دشمنی کند بداند که خداوند به سختی عقوبت می کند.

او به بندگان ظلم نمی کند؛ بلکه انسان ها با گناهان و خطاهایشان به خود ظلم می کنند و خود را در مسیر گرفتاری و هلاکت قرار می دهند :

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^۷
خداوند به مردم هیچ ستمی نمی کند بلکه این مردمند که به خود ستم می کنند.

۳-سوره اعراف، آیه ۱۵۶.

۲-سوره اعلی، آیه ۷.

۱-سوره انعام، آیه ۵۹.

۶-سوره حشر، آیه ۴.

۵-سوره بروج، آیه ۱۴.

۴-سوره انعام، آیه ۱۲.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

۷-سوره یونس، آیه ۴۴.

البته خداوند کسانی را که از گناه خویش پشیمان شوند و توبه کنند، با آغوش باز می‌پذیرد؛ چرا که او خود را خدای «بسیار توبه‌پذیر» معرفی می‌کند^۲ و توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ^۳ همانا خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد.

خداوند با احکام و قوانینش نمی‌خواهد بر بندگانش سخت بگیرد؛ بلکه برای هدایت انسان و راهنمایی او به سمت سعادت و خوشبختی و جلوگیری از گمراهی او این قوانین را قرار داده است.

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۴

خداوند نمی‌خواهد [با احکامش] شما را در سختی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را [از آلودگی‌ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا شکر او را به‌جای آورید.

و سرانجام اینکه خداوند خود را در قرآن بهترین روزی‌دهنده^۵، بهترین یاری‌کننده^۶ و بهترین سرپرست^۷ معرفی می‌کند.



با همفکری هم‌گروهی‌های خود بگویید چه صفتی از صفات خداوند در قرآن کریم بیشتر تکرار شده است؟ به نظر شما چرا؟

۳- سوره بقره، آیه ۲۲۲.
۶- سوره آل عمران، آیه ۱۵۰.

۲- سوره بقره، آیه ۱۶۰.
۵- سوره جمعه، آیه ۱۱.

۱- سوره نساء، آیه ۲۷.
۴- سوره مائده، آیه ۶.
۷- سوره انفال، آیه ۴۰.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه در توصیف خداوند می فرماید :

«... خداوند از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان و خانه‌های زمستانی حشرات، از آهنگ اندوهبار زنان غم‌دیده و صدای آهسته قدم‌ها آگاهی دارد. خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون پرده‌های شکوفه و از مخفیگاه حیوانات وحشی در دل غارها و کوه‌ها و اعماق دره‌ها، از نهانگاه پشه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان و از محل پیوستگی برگ‌ها به شاخسارها آگاه است.

خدا از آنچه پردهٔ ابر را به وجود می آورد و به هم می‌پیوندد و از قطرات بارانی که از ابرهای متراکم می‌بارد و از آنچه گردبادها از روی زمین بر می‌دارند و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می‌نشانند و نابود می‌کنند، از ریشهٔ گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان شده است، از لانهٔ پرندگان که در قله‌های بلند کوه‌ها جای گرفته‌اند و از نغمهٔ مرغان در آشیانه‌های تاریک، از مرواریدهایی که در دل صدف‌ها پنهان است، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند، آگاهی دارد. این همه آگاهی هیچ‌گونه زحمت و دشواری برای او ندارد و برای نگهداری این همه مخلوقات رنگارنگ که پدیدآورده است، دچار نگرانی نمی‌شود و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالی در او راه نمی‌یابد. . . .

خدایا تو سزاوار زیباترین توصیف‌هایی و درخور آنی که فراوان ستایشت کنند. اگر تو را آرزو کنند بهترین آرزویی و اگر به تو امید بندند بهترین امیدی.»

۲- تفکر در کتاب خلقت

راه دیگر شناختن صفات خداوند، تفکر در کتاب خلقت است؛ یعنی از طریق آثار و نشانه‌های او که در سراسر جهان آفرینش متجلی است، به ویژگی‌های او بی‌بریم؛ همان‌گونه که با دیدن نوشته‌ای علاوه بر بی‌بردن به وجود نویسنده، به میزان علم و دانایی و نوع افکار و اندیشه‌هایش بی‌می‌بریم، یا همان‌گونه که با دیدن ساختمانی، از وجود سازنده و میزان مهارت و توانایی وی باخبر می‌شویم، با تفکر در جهان خلقت نیز می‌توانیم علاوه بر بی‌بردن به وجود خالق بی‌همتا با برخی از ویژگی‌ها و صفات او نیز آشنا شویم.

تنها کافی است به تفکر در عالم بنشینیم؛ آنگاه این جهان را همچون جاده‌ای رهنمون به سوی او خواهیم یافت. زیبایی‌های عالم، جلوه‌ای از زیبایی او، خوبی‌های آن، روایتگر نیکی او و عظمت‌های آن، پرتوی از قدرت و بزرگی اوست. گویی تمام اجزای عالم از او سخن می‌گویند.



برک درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتر می است معرفت کردگار^۱

البته به هر میزان که علم و دانش ما افزایش می یابد، بیشتر از گذشته آثار علم و قدرت خداوند را در جهان درمی یابیم و در برابر این همه عظمت، به شگفتی می آییم؛ آن چنان که عقل و اندیشه دانشمندان نیز در برابر این همه شگفتی، به حیرت می آید.

آلبرت اینشتین^۲، فیزیکدان نامی معاصر، درباره مواجهه انسان با شگفتی های بی پایان طبیعت می گوید: «ما انسان ها همچون طفلی خردسال هستیم که وارد کتابخانه ای بزرگ می شود که همه دیوارهای آن از زمین تا سقف با کتاب هایی به زبان های گوناگون پوشیده شده است. کودک می داند که باید کسی آن کتاب ها را نوشته باشد... کودک طرحی مشخص در ترتیب کتاب ها می بیند؛ نظمی اسرارآمیز که او آن را درک نمی کند؛ ولی می تواند با حسی مبهم حدس بزند. به نظر من وضعیت این کودک همانند وضعیت عقل انسان در برابر خداست...»^۳.

۲- Albert Einstein

۱- سعدی

۳- فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، صص ۴۶ و ۴۷.

یک پرسش

اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی‌اند و از طریق آنها می‌توان به صفات خالقشان پی برد، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم، به خداوند متعال نسبت دهیم؟ برای مثال، آیا می‌توان خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان دانست؟ هر خوبی و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند و کسی می‌تواند کمال و خوبی را به دیگری دهد که خود نیز آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه همه خوبی‌ها و کمالات است. اما صفاتی که از مخلوق بودن و محدود بودن موجودات سرچشمه می‌گیرد، مثل جهل، ظلم، ضعف و جسمانی بودن، که همه نوعی نقص و کاستی است، در خدای متعال نیست؛ زیرا خداوند مخلوق و محدود نیست. به عبارت دیگر با توجه به اینکه خداوند کامل و بی‌نقص است، نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد. به‌عنوان نمونه این‌گونه نیست که خداوند همچون ما اگر در این مکان حضور داشته باشد، از مکان دیگری بی‌خبر باشد؛ یعنی خدا مثل اجسام محدود به یک مکان خاص نیست.



با همفکری اعضای گروه خود، برخی از صفاتی را که ویژه ما مخلوقات است و نمی‌توان آنها را به خدا نسبت داد، بیان کنید.

حمد و تسبیح

شما با ذکرهای زیر به خوبی آشنا باشید؛ زیرا در هر نماز آنها را تکرار می‌کنید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

آیا می‌دانید معنی این ذکرها چیست؟

«حمد» به معنای «ستایش» است. وقتی می‌گوییم «الحمد لله»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. می‌دانیم که همه زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آن اوست.

«تسبیح» به معنای «پاک و منزّه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «سبحان الله»، می‌خواهیم بگوییم «خداوند از هر نقص و عیبی، منزّه است»؛ یعنی آن نقص‌هایی که در سایر موجودات است، در او نیست و او خدایی کامل و بی‌نقص است.

- ۱- راه‌های شناخت صفات خداوند را نام ببرید و درباره هر کدام به اختصار توضیح دهید.
- ۲- حمد و تسبیح خداوند به چه معناست؟

پیشنهاد

- ۱- با مراجعه به آیات ۵۸ تا ۶۵ سوره حج و آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره شوری، آیاتی را که در آن به شناخت خدا اشاره شده، یادداشت و آنها را با خطی زیبا بنویسید و در کلاس نصب کنید.
- ۲- از دعاهای بسیار زیبا که به حمد و تسبیح خداوند پرداخته است، دعای جوشن کبیر و دعای روز عرفه است. با مراجعه به آنها برخی از صفات خدا را که در این دعاها ذکر شده است، استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

الهی

ای خدایی که هرگاه بنده ای به توری آورد، او را جزء مقربان خود می گردانی؛
ای خدایی که هرگاه بنده ای به تو امید بندد، ناامیدش نمی کنی؛
چگونه فراموش کنم تو را، در حالی که تو همیشه بیاد منی؛
و چگونه دل از یاد تو بردارم، در حالی که همیشه در کنار منی؛
خدایا دست خود را به سوی لطف و کرم تو دراز کردم
و دل به موهبت های تو بستم؛
پس مرا برای خود پاک و خالص کن
و ما را از بندگان برگزیده ات قرار ده!



درس دوم

در سناه ایمان

در درس قبل با برخی از صفات خداوند، آشنا شدیم. دانستیم که خالق هستی از تمام اعمال و رفتار ما آگاه است. او خیر و صلاح بندگان خویش را می‌خواهد و... با این حال افرادی را می‌بینیم که با اینکه خدا را به عنوان خالق هستی می‌شناسند؛ اما به دستورات او چندان توجهی نمی‌کنند. اینان با آنکه خداوند را آگاه بر تمام اعمال آشکار و پنهان خود می‌دانند، گاهی در حضور او گناه می‌کنند؛ با آنکه می‌دانند قوانین الهی برای نجات انسان از پلیدی‌ها و سوق دادن او به سوی زندگی سعادت‌مندانه است، باز هم از دستورات او سرپیچی می‌کنند.

همه این موارد نشان می‌دهد که شناخت ما از خالق خویش و رهنمودهای او به تنهایی، اطاعت و عمل به دستوراتش را در پی نخواهد داشت، بلکه در کنار شناخت خداوند نیازمند حقیقت‌دگری هستیم تا سبب انجام دستورات او توسط ما شود.

به نظر شما آن حقیقت چیست؟

گاهی اوقات، انجام دادن کاری را مفید می‌دانیم اما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم؛ مثلاً می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز، سلامت و شادایی می‌آورد؛ اما برای انجام آن برنامه‌ریزی نمی‌کنیم. همچنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از آنها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم رفتارها و کارهای ناشایست پایان خوبی به همراه ندارد؛ اما آنها را ترک نمی‌کنیم.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که تنها شناخت و آگاهی از یک مطلب برای عمل به آن کافی نیست؛ بلکه باید آن شناخت، به مرحله‌ایمان برسد. یعنی به آنچه می‌دانیم، ایمان داشته باشیم. به عبارت دیگر، علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد؛ اما داشتن چراغ، به تنهایی انگیزه لازم برای حرکت در آن راه را در انسان ایجاد نمی‌کند. ایمان مشوق و محرک ما برای رفتن به سمت عمل است.



حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست؟

ایمان، اعتماد و باور قلبی کامل به یک موضوع یا حقیقت است. باوری که شوق عمل به آن حقیقت را در انسان ایجاد می‌کند. پس اگر کسی به دانسته‌های خویش ایمان داشته باشد، عمل به آنها نیز به همراه آن خواهد آمد. به همین جهت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ایمان و عمل دو برادر همراه و دو دوست جدایی‌ناپذیرند^۱.

بنابراین شناخت ما از خدا وقتی منجر به عمل به دستورات او خواهد شد که این شناخت به مرحله‌ایمان برسد. اگر ما با تمام وجود به خدا ایمان بیاوریم، عمل به دستورات او نیز به دنبال آن خواهد آمد؛ اما چگونه می‌توانیم ایمان به خدا را در درون خود تقویت کنیم؟

۱- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۳۶.

از کوزه همان برون تراود که در اوست

به نظر شما اگر کسی ادعا کند که در قلبش به خدا ایمان دارد؛ اما در عمل او یعنی در گفتار و رفتار و حتی نوع پوشش او نشانی از ایمان به خدا مشاهده نشود، ادعای ایمان او واقعی است؟
 اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگامی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون چه چیزی دیده می‌شود؟
 آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها بازند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما، پنجره‌های قلب ما هستند.

اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او نمایان می‌شود و اگر قلب کسی به دلیل گناهان تیره و تار شده باشد، تأثیر آن در گفتار و کردار او نیز ظاهر می‌شود؛ به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها، ما را از مرحله شناخت خدا به مرحله ایمان واقعی به او می‌رساند و سبب تقویت و محکم شدن ایمان نیز می‌شود. برخی از این راه‌ها عبارت‌اند از:

۱- یاد و ذکر خداوند: حضور خداوند در خاطر ما در همه لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب، سبب افزایش ارتباط ما با خدا و تقویت ایمان به او می‌شود. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه‌روز است. همچنین توصیه فراوان به قرائت قرآن در طول شبانه‌روز نیز برای تقویت ایمان در دل است، تا آنجا که خداوند گوش سپردن به آیات قرآن را یکی از عوامل افزایش ایمان برشمرده است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

مؤمنان فقط کسانی هستند

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

که وقتی یاد خدا شود، دل‌هایشان [از بیم نافرمانی

و کوتاهی در انجام دستورات او] ترسان است

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ

و چون آیات خدا بر آنها تلاوت شود

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

ایمانشان افزون می‌گردد.

مشغله‌های مداوم، وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی، آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. برای زدودن غفلت‌های مداوم، تلاوت روزانه قرآن کریم توصیه شده است. داشتن برنامه‌ای روزانه برای خواندن آیات قرآن یکی از کارهای ثابت بزرگان و پیشوایان دین بوده است؛ به گونه‌ای که امام خمینی رحمه الله علیه در طول شبانه‌روز در هشت زمان مختلف به قرائت قرآن می‌پرداختند.

علاوه بر خواندن قرآن، به جا آوردن نماز در پنج زمان، هم حال غفلت را به حال ذکر و یاد خدا مبدل می‌کند و هم گناهان را می‌شوید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، شیطان بی‌بوسته از او در هراس است».^۱

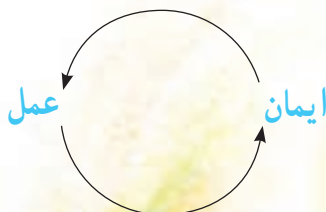
مراجع عالی قدر از جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، علاوه بر اینکه خود بر رعایت این موضوع مراقبت می‌کردند، همواره در رهنمودهای اخلاقی خود بر اقامه نماز اول وقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت بخوانید.^۲



۱- رساله نون، ج ۱، ص ۷۶.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸.

۲- انجام کارهای نیک و دوری از گناهان : همان‌طور که ایمان به خداوند، عمل به دستورات او را به دنبال دارد، باید دانست که عمل به دستورات الهی نیز موجب تقویت ایمان می‌شود؛ یعنی میان این دو، رابطه دوسویه است و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. هر عمل نیکی، ایمان ما را قوی می‌کند و هر گناه، چون غباری صفحه دل را می‌پوشاند و به اندازه خود، مانع رسیدن نور ایمان به آن می‌گردد.



امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

آنچه ایمان را در دل پایدار می‌کند، دوری از گناهان است.^{۱*}



امام علی علیه السلام می‌فرماید : هم‌نشینی با انسان‌های هوسران، موجب از بین رفتن ایمان می‌شود.^۲
با توجه به این حدیث، بیان کنید دوستی با افراد فاسد چگونه موجب از بین رفتن ایمان می‌شود؟

۱- خصال، ج ۱، ص ۹. * روایت حفظ شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۵.

۳- الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن: یکی از راه‌های تقویت ایمان، مطالعه و تفکر در زندگی انسان‌های مؤمن و سرمشق قرار دادن آنها در مسیر زندگی است. این افراد به دلیل ایمان بالای خود، نمونه‌های مناسبی برای ما هستند تا با پیروی از راه و رسم زندگی آنان و الگو گرفتن از اخلاق و رفتارشان، بتوانیم همچون این افراد، بر ایمان خویش به خداوند بیفزاییم. در قرآن کریم بارها داستان زندگی پیامبران و نیز زنان و مردان مؤمن دیگر برای الگو گرفتن ما بیان شده است. زنان بزرگی چون حضرت مریم سلام الله علیها و آسیه سلام الله علیها و مردانی همچون حضرت محمد ﷺ، حضرت ابراهیم علیه السلام، و....



به ترجمه آیات توجه کنید:

«و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، همسر فرعون را مثال می‌زند؛ آنگاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت برایم خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او و مردم ستمکار نجات بده. همچنین مریم دختر عمران را مثال زده است؛ همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت...»

به نظر شما چه ویژگی‌هایی در حضرت مریم و آسیه وجود داشت که خداوند آنان را به عنوان الگو معرفی می‌کند؟

آثار ایمان

هنگامی که جوانه‌های ایمان در قلب ما پدیدار شود، تحولی شگرف در درون خود احساس خواهیم کرد که گویی، تولدی دوباره یافته‌ایم. آنگاه آثار ایمان به خدا را در جای جای زندگی خود مشاهده خواهیم کرد. برخی از این آثار، عبارت‌اند از:

۱- آرامش: از تأثیرات مهم ایمان به خدا، دست یافتن به آرامش روحی است. مهم‌ترین دلیل این آرامش این است که خداوند دل و جان آدمی را به گونه‌ای آفریده که جز با یاد و نام او، آرام نمی‌گیرد. وقتی انسان در این دنیا به هریک از خواسته‌های دنیایی - که سال‌ها آرزویش را داشته است - می‌رسد،

پس از مدتی از آن دلزده می‌شود؛ زیرا هیچ خواسته‌ای نمی‌تواند جای خواسته واقعی قلب را، که همان رسیدن به خداست، بگیرد. از این روست که قرآن می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ
آنها کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد.

آ لَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۱
آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.*
۲- رهایی از سردرگمی و بی‌هدفی: کسی که در زندگی خود، هدف والا و ارزشمندی نداشته باشد، احساس بیهودگی می‌کند؛ زیرا داشتن هدف به زندگی انسان معنا می‌بخشد. هدف زندگی انسان‌های مؤمن، برخاسته از اعتقاد به خداست. آنان معتقدند نه تنها انسان، بلکه آفرینش همه چیز برای رسیدن به هدف مشخصی است و کاری که انسان باید انجام دهد، این است که با کمک گرفتن از فرستادگان الهی، آن هدف را کشف کرده و برای رسیدن به آن بکوشد. این افراد هیچ‌گاه در زندگی احساس پوچی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که خدا از خلق کردن آنان هدفی داشته و در این جهان، به حال خود رها نشده‌اند.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریدیم
وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَتُرْجَعُونَ^۲
و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

کسانی که ایمان به خدا ندارند؛ ناگزیر زندگی را در همین چند روز دنیا خلاصه می‌کنند و آن را بی‌معنا می‌دانند. اینان ناگزیرند خودشان هدفی برای این زندگی بسازند و خود را با آن مشغول کنند. برخی از این افراد تنها هدف زندگی خود را رسیدن به پول و مقام و شهرت، قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر خود را به لذت‌های زودگذر دنیا مشغول می‌سازند و غرق در شهوات می‌گردند. گروهی نیز هدف خود را فخرفروشی به دیگران با ماشین و لباس و مد و... قرار می‌دهند. مشخص است که این کارها به جای اینکه انسان را به مقصد و هدف اصلی خلقت برسانند، از آن دور می‌سازد.

۱- سوره رعد، آیه ۲۸. *آیه با ترجمه حفظ شود.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.



آیه زیر را بخوانید و با توجه به معنای آن یکی دیگر از آثار ایمان به خدا را بیان کنید.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ
و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی
[خدا] آنان را در رحمت و فضل خود وارد خواهد کرد.
و يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
و آنان را به سوی خود، به راه راست، هدایت می کند.

نشانه‌های انسان مؤمن

بسیاری از ما دوست داریم بدانیم که انسان‌های مؤمن چه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند تا خودمان را با این ویژگی‌ها بسنجیم و در صورت نداشتن برخی از این صفات و ویژگی‌ها، آنها را در خود ایجاد کنیم.

خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون به توصیف ویژگی‌های انسان‌های مؤمن می‌پردازد و آنها را این‌گونه معرفی می‌کند:

بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند، آنها که؛
نمازشان را با خشوع و فروتنی در برابر خداوند به جا می‌آورند.
از کارهای لغو و بی‌فایده دوری می‌کنند.
زکات مالشان را می‌پردازند.
دامان خود را از آلوده شدن به گناه و بی‌عفتی حفظ می‌کنند، ...
امانتدارند و به عهد خود وفا می‌کنند.
بر انجام به موقع نمازشان مراقبت می‌کنند.
اینان وارث بهشت‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند. ...

- ۱- توضیح دهید چرا با اینکه از خوبی برخی کارها آگاهیم؛ اما آن کارها را انجام نمی‌دهیم؟
- ۲- دو مورد از راه‌های تقویت ایمان به خدا را بنویسید.
- ۳- مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود انسان‌های مؤمن از آرامش روحی برخوردار باشند، چیست؟

الهی

رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا

مُنادِيًا يُنادِي لِيَايْمَانَ

أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ

فَأَمَنَّا

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

وَ تَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرارِ!

پروردگارا، ما صدای ندا دهنده ای را شنیدیم

که مردم را به ایمان فرامی خواند

که به پروردگارتان ایمان آورید

اینک ما ایمان آوردیم.

پروردگارا، گناهان ما را بیا مرز

و بدی های ما را پوشان

و ما را با نیکوکاران [و در مسیر آنان] بمیران.

راهناشناسی

فصل دوم

خداوند دانا و مهربان در مسیر زندگی، برای هدایت ما راهنمایان فراوانی قرار داده است. تاکنون با برخی از این راهنمایان و ویژگی‌های آنان آشنا شده‌ایم. در این کتاب با موضوعات دیگری در خصوص راهنمایان راه، آشنا می‌شویم:

درس سوم (راهنمایان الهی): در قرآن کریم، خداوند بارها داستان زندگی پیامبران را به‌عنوان نمونه‌هایی از مؤمنان راستین بیان کرده است تا الگویی باشد برای کسانی که قصد گام برداشتن در مسیر ایمان به خدا را دارند. در درس دوم با این نکته آشنا شدیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان، الگو گرفتن از کسانی است که در مسیر ایمان به خدا گام برداشته‌اند.

در این درس با برخی از صفات و ویژگی‌های پیامبران به‌عنوان الگوهایی برای افزایش ایمان آشنا می‌شویم. درس چهارم (خورشید پنهان): در این درس به ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام می‌پردازیم و به سؤالات متعددی که درباره امام زمان و شرایط ظهور ایشان وجود دارد، پاسخ داده می‌شود و در پایان، شرایط منتظر واقعی بیان می‌گردد.

درس پنجم (رهبری در دوران غیبت): وظیفه مردم در دوران غیبت امام زمان علیه السلام را بیان می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که وقتی مردم به امام دسترسی ندارند، در حل مشکلات خود به چه کسی مراجعه کنند و چه کسانی صلاحیت اداره جامعه را دارند. در این درس نقش امام خمینی رحمه الله علیه در بیدارگری مسلمانان در دوران غیبت نیز بیان می‌شود.





درس سوم

راهنمایان الهی

دو ساختمان را فرض کنید که یکی از آنها براساس الگو و نقشه‌ای منسجم و دقیق ساخته می‌شود و دیگری بدون داشتن الگو. به نظر شما این دو ساختمان بعد از تکمیل چه تفاوت‌هایی با هم خواهند داشت؟



ما انسان‌ها از آغاز دوران نوجوانی در حال بنای یک ساختمان هستیم. این ساختمان همان ساختمان شخصیت ماست که با اعتقادات و اخلاق و رفتار ما ساخته می‌شود؛ ساختمانی که گویا با گذشت هر روز از عمرمان و با هر رفتاری که انجام می‌دهیم، آجری به آن اضافه می‌شود و بنایش کامل‌تر می‌شود.

به نظر شما می‌توان انتظار داشت که ساختمان شخصیت انسان، بدون داشتن الگویی مناسب به بهترین شکل ممکن ساخته شود؟

به نظر شما الگوی مناسب برای ساختن شخصیت ما چه کسانی می‌توانند باشند؟

در درس قبل دانستیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان به خدا، الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن است. پیامبران نمونه‌ای از این انسان‌ها هستند که در قرآن کریم بارها داستان زندگی و ویژگی‌های آنان بیان شده است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد جزو بهترین‌های زمان خود باشد و در مسیر ایمان به خدا گام بردارد، شایسته است پیامبران را در زندگی خود سرمشق قرار دهد و لازمه سرمشق قرار دادن، آشنا شدن با ویژگی‌های آنان است. در این درس با سه ویژگی مهم پیامبران آشنا می‌شویم: تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و مبارزه با عقاید باطل و خرافات.

۱- تسلیم در برابر امر خداوند

وقتی کسی می‌خواهد شخصی را برای انجام کاری مأمور کند، معمولاً سعی می‌کند فردی را انتخاب کند که کاملاً مطیع او باشد، و به دستوراتی که می‌دهد، به صورت کامل عمل کند. در این صورت است که انجام کامل و دقیق کار، تضمین می‌شود. وقتی انسان‌ها در امور عادی‌شان این تدبیر را به کار می‌بندند، قطعاً خداوند حکیم در امر بزرگ هدایت انسان‌ها، کسانی را به عنوان پیام‌آور خود انتخاب می‌کند که در برابر دستوراتش مطیع و تسلیم باشند. این ویژگی پیامبران را در قرآن کریم به خوبی می‌توان دید:

□ خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد زن و فرزند کوچک خود را در سرزمین مکه که در آن زمان سرزمینی بدون آب و آبادانی بود و امکانی برای زندگی نداشت، سکونت دهد. حضرت ابراهیم علیه السلام با اطمینان خاطر به دستور خداوند عمل کرد.^۱

□ خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور داد نزد فرعون برود و از او بخواهد بنی اسرائیل را آزاد کند. با اینکه آن حضرت از خشم فرعون و قومش نسبت به خود آگاه بود و احتمال هرگونه خطری را برای خود پیش‌بینی می‌کرد، به این مأموریت عمل کرد و وارد قصر فرعون شد و علاوه بر دعوت او به یکتاپرستی، خواستار آزادی بنی اسرائیل شد.^۲

□ حضرت ایوب علیه السلام که می‌دید تمامی مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود، به خواست خداوند و برای امتحان کردن اوست، در برابر تمامی آنها صبر کرد و در برابر خواست خداوند تسلیم شد.^۳

۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۷. ۲- سوره شعراء، آیات ۶۸-۱۰. ۳- سوره انبیاء، آیات ۸۴-۸۳.



به نظر شما، ما به عنوان یک مسلمان چگونه می‌توانیم در گفتار، رفتار و پوشش خود، تسلیم امر خدا باشیم. درباره این موضوع با هم کلاسی‌هایتان گفتگو کنید.

۲- استقامت و پایداری در راه خدا

مردم پس از دریافت دین خداوند از پیامبران، دو گروه می‌شدند؛ گروهی دعوت پیامبران را می‌پذیرفتند و با عمل به تعالیم آنان، نه تنها خود را از مشکلات متعدد - که به دست خود انسان‌ها به وجود آمده بود - نجات می‌دادند، بلکه رستگاری ابدی را نیز نصیب خود می‌کردند. گروه دیگری به لذت‌های زودگذر دنیا دل خوش می‌کردند و با این تصور که با پذیرش دین، دنیای آنها به خطر می‌افتد، زندگی ابدی خود را نابود می‌کردند؛ غافل از اینکه دین الهی رستگاری دنیا و آخرت را برای انسان با هم به ارمغان می‌آورد^۱.

این گروه با سرکشی در مقابل پیامبران، آنان را دروغگو می‌نامیدند تا مردم پیرو آنان نشوند و اگر در نقشه خود موفق نمی‌شدند، به قتل پیامبران دست می‌زدند. خداوند رفتار این افراد را با پیامبران چنین توصیف می‌کند:

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ
بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ
اسْتَكْبَرْتُمْ
فَفَرِّقَا كَدِّبْتُمْ
وَفَرِّقَا تَقْتُلُونَ^۲

آیا [اینگونه نبود که] هرگاه پیامبری چیزی
را برای شما آورد
که دلخواه شما نبود
سرکشی کردید،
پس گروهی [از پیامبران] را انکار کردید
و گروهی را کشتید؟

۱- خداوند در سوره نساء، آیه ۱۳۴ می‌فرماید: هر کس نعمت و پاداش دنیا را می‌خواهد، بداند که نعمت و پاداش دنیا و آخرت هر دو

نزد خداست.

۲- سوره بقره، آیه ۸۷.



پیامبران الهی با وجود مشکلات فراوان در راه خدا صبر و استقامت می‌کردند و با تمام توان و قدرت به راه خود ادامه می‌دادند و لحظه‌ای سست نمی‌شدند. تمام پیامبران الهی الگوی استقامت در راه خدا بودند. در این باره باز هم قرآن سیره و روش پیامبران را چنین توصیف کرده است:

□ حضرت نوح علیه السلام مردم زمان خود را نهصد و پنجاه سال به یکتاپرستی دعوت کرد؛ ولی در

این مدت، تنها تعداد بسیار اندکی ایمان آوردند. آنان بارها نوح علیه السلام را اذیت و آزار می کردند، مسخره می کردند، تهدید به قتل می کردند و... تا اینکه خداوند به آن حضرت دستور ساخت کشتی را داد و خبر داد که دیگر از قوم وی کسی ایمان نخواهد آورد. حضرت نوح علیه السلام به دستور خداوند شروع به ساختن کشتی کرد. در این مدت هرگاه که کافران از کنار او می گذشتند، مسخره اش می کردند و می گفتند چرا در بیابان کشتی می سازی؟ نکند دیوانه شده ای؟! ولی چون نوح علیه السلام به خداوند ایمان داشت و می دانست وعده الهی حق است، استقامت کرد و ساختن کشتی را متوقف نکرد تا اینکه زمان وعده خداوند فرا رسید و آن قدر باران بارید که تمام آن سرزمین به زیر آب رفت و همه کافران غرق شدند.^۱

□ حضرت ابراهیم علیه السلام بارها عموی خود آزر را به یکتاپرستی دعوت می کرد و او را به ترک پرستش بت ها فرامی خواند. آزر هر بار او را با سخنانش می آزرده و از خود دور می کرد؛ اما او دست از دعوت خود بر نمی داشت.^۲ حضرت ابراهیم علیه السلام نه تنها مردم عادی، بلکه نمرود - طاغوت زمانه را که ادعای خدایی می کرد - در کاخش با شجاعت و استدلال های محکم به چالش کشید و به یکتاپرستی دعوت کرد^۳ و از تهدیدهایش نهراسید و در برابر آزار وی از قبیل انداختن در آتش و تبعید از وطن ذره ای دچار تردید نشد، و دست از راهی که در پیش گرفته بود، برنداشت تا اینکه عده ای از مردم به یکتاپرستی روی آوردند.

۳- سورة بقره، آیه ۲۵۸.

۲- سورة مریم، آیه ۴۲.

۱- سورة هود، آیات ۴۰-۳۹.



پایداری فراوان پیامبران، ناشی از این بود که آنان اطمینان داشتند که ایمان و استقامت، کلید دست یافتن به وعده‌های بزرگ الهی است؛ همچنان که خداوند می‌فرماید :

آنان که گفتند : پروردگار ما الله است
سپس [در این راه] پایدار ماندند،
فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند
که ترسید و غمگین مباشید
و به بهشتی که وعده داده می‌شدید، شاد شوید.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ
ثُمَّ اسْتَقَامُوا
تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^۱



به نظر شما در موارد زیر چگونه می‌توانیم در راه خدا استقامت کنیم؟

- ۱- شیطان ما را برای ترک واجباتی همچون نماز و روزه وسوسه می‌کند.
- ۲- کسی ما را دعوت به حضور در برخی مجالس و یا برخی فضاهای مجازی نامناسب می‌کند.
- ۳- شیطان ما را برای ناسزا گفتن به دیگران به هنگام خشم و عصبانیت وسوسه می‌کند.

۳- مبارزه با عقاید باطل و خرافات^۲

مردم دوران پیامبران، برای خداوند شریکانی قرار داده بودند؛ بت‌هایی از سنگ و چوب، فرشتگان و اجرام آسمانی (ستاره، ماه، خورشید و...) از جمله این شریکان بودند.

برخی از مردم زمان حضرت ابراهیم علیه السلام ستاره و خورشید و ماه را می‌پرستیدند و معتقد بودند اینها اثر خوبی در زندگی آنها دارند.

بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام گوساله‌ای را از طلا و جواهرات ساختند و با این تصور که این گوساله منشأ ثروت و برکت است، به دور او طواف می‌کردند.

۱- سوره فصلت، آیه ۳۰.

۲- معنای خرافه: به یک سری باورهای غلط می‌گویند که نه دین آن را تأیید می‌کند و نه از نظر علمی و عقلی ثابت شده است.

مردم در زمان پیامبر اکرم ﷺ در برابر بت‌های ساخته شده از سنگ و چوب سجده می‌کردند و می‌گفتند اینها به ما خیر و برکت می‌دهند.

پیامبران الهی نه تنها خود به این امور اعتقاد نداشتند و آنها را باطل و خرافه می‌دانستند؛ بلکه از طرف خدا مأموریت یافته بودند با هر اعتقادی که ریشه در دستورات خداوند ندارد و نزد خداوند معتبر نیست، مبارزه کنند.



رسولان الهی با آوردن دلایل محکم، مشرکان را به اندیشه ورزی و تفکر دعوت می کردند و از آنها می خواستند که به جای پیروی از خرافات، از دستورات خداوند اطاعت کنند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت عمویش آزر می گوید :

إِذ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ هِنْكَامِي كِه بَه عَمُوِي خُود كُفْت : اِي عَمُو!

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ چِرَا چيزِي مِي پَرستِي كِه نَه مِي شَنُود وَ نَه مِي بِيِنْد،
وَلَا يُعْنِي عَنكَ شَيْئًا وَ نَه هِيچ مَشْكَلي رَا اَز تُو حَل مِي كِنْد؟!
يَا أَبَتِ

اي عمو!

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ دانْشِي بَرَاي مَن آمَدَه كِه بَرَاي تُو نِيامَدَه اسْت

فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا بِنَابَرَايِن اَز مَن پِيروِي كِن، تَا تُو رَا بَه رَاه رَا سْت

هدايت كنم!



نقالت كلاسي

با کمک اعضای گروه و با توجه به آنچه که در خصوص زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می دانید، نمونه هایی از ایستادگی آن حضرت در برابر عقاید باطل را بیان کنید.

زمانی که پیامبران الهی با عقاید باطل و خرافی قوم خود مبارزه می کردند، مخالفان که پاسخ قانع کننده ای برای رد نظر پیامبران و دور کردن مردم از آنها نداشتند، از عقیده باطل دیگری استفاده می کردند. آنها به پیامبران می گفتند شما برای ما بدشانسی می آورید! پیامبران نیز در جواب می گفتند: اگر بلایی سر شما می آید نتیجه کارهای خودتان است.^۱

به عنوان مثال وقتی به قوم بنی اسرائیل خیر و منفعتی می رسید، می گفتند این نتیجه زحمات خودمان است؛ ولی وقتی اتفاق بدی برایشان می افتاد؛ می گفتند: موسی برای ما بدشانسی می آورد. خداوند در جواب آنها فرمود: این بلاهایی که بر سر شما می آید، به دلیل اعمال خودتان است و ارتباطی با پیامبر ندارد.^۲

البته عقاید باطل و خرافی منحصر به زمان پیامبران نبوده است. امروزه در برخی کشورها هنوز مردم به پرستش بت ها مشغول اند یا در کشورهای مختلف خرافات روتق فراوان دارد؛ خرافاتی همچون

— عدد ۱۳ نحس است.

۳- سورة اعراف، آیه ۱۳۱.

۲- سورة يس، آیات ۱۸ و ۱۹.

۱- سورة مريم، آیات ۴۲ و ۴۳.

– به تخته زدن بدشناسی را از انسان دور می‌کند.

– اگر گربه سیاه سر راه کسی باشد، بدشناسی می‌آورد.

– مهره فیروزه‌ای رنگ، انسان را از خطر و بلا حفظ می‌کند.

و هزاران مورد دیگر که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد.

اعتقاد به این امور موجب شده است برخی از مردم در انجام کارهایشان به کسانی مراجعه کنند که ادعا دارند می‌توانند از اتفاقات خوب و بدی که ممکن است، برای افراد رخ دهد، خبر دهند یا از روی دادن آنها جلوگیری کنند. امروزه این افراد در شکل‌های مختلفی از قبیل فال‌گیر (فال قهوه و...)، کف‌بین (ادعای بیان آینده با نگاه کردن به کف دست)، رمال (ادعای پیشگویی آینده) و... مردم را فریب می‌دهند و موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌های فراوان یا از دست رفتن اموال و آبرویشان می‌شوند.

باید توجه داشت اگر ایمان به خدا در انسان کم‌رنگ شود، میل به خرافات نیز افزایش می‌یابد؛ اما اگر انسان ایمان خود را تقویت کند، به‌خوبی به درک این نکته می‌رسد که کلید حل تمام مشکلاتش در پیروی از خدا و دستورات او نهفته است.





چه خرافه‌هایی در منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، وجود دارد؟
به نظر شما چرا مردم به دنبال این خرافات می‌روند؟

- ۱- یک نمونه از تسلیم پیامبران الهی در برابر دستورات خداوند را بیان کنید.
- ۲- چرا پیامبران الهی در راه انجام دستورات خداوند استقامت فراوانی می‌کردند؟
- ۳- سه مورد از ویژگی‌های مهم پیامبران را نام ببرید.

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

- ۱- وقتی بخواهیم از کسی یاد کنیم، معمولاً به لقبی از او اشاره می‌کنیم که بالاترین و بهترین لقب اوست. به این عبارت که ما در تشهد نمازهای خود می‌گوییم، توجه کنید.
...وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
درباره اینکه چرا از پیامبر اکرم ابتدا با لقب عبد و سپس با لقب رسول یاد می‌شود، تحقیق کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.
- ۲- درباره ماجرای مرگ ابراهیم فرزند حضرت محمد ﷺ که در کودکی از دنیا رفت و اتفاقاتی که در آن روز افتاد، تحقیق کنید و ارتباط آن را با ویژگی سوم پیامبران یعنی مبارزه با عقاید باطل و خرافات بیان کنید.

الہی

اگر دوست داری چند جملہ ای با خدای خویش سخن بگو:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس چهارم

خوشدینان

عدالت سراسر جهان را فرا گرفته است و خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست. علم و دانش آن‌چنان شکوفا شده است که تمام پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ در برابر آن ناچیز است. دیگر دادگاه‌ها و زندان‌ها شلوغ نیستند. دلیلش معلوم است؛ فهم و ایمان انسان‌ها آن‌قدر رشد کرده است که کمتر دیده می‌شود کسی به حقوق دیگران دست‌درازی کند.

حرص و طمع و ثروت‌اندوزی از میان جامعه رخت بر بسته است. مردم به دنبال فرد مستمندی می‌گردند تا صدقه‌ای به او بدهند یا به او کمکی کنند؛ اما انسان فقیری در جامعه یافت نمی‌شود. انسان‌ها دیگر در برابر مجسمه‌های سنگی و یا انسان‌های دیگری مانند خودشان سر تعظیم فرود نمی‌آورند.

از آسمان و زمین برکت می‌بارد؛ نه خشکسالی هست و نه گرسنگی. همه جا سرسبز و خرم است و همه با شادی و خوشبختی در کنار هم زندگی می‌کنند.^۱



۱- برگرفته از روایات ظهور، بحار الانوار، ج ۵۳.

آنچه خواندید، بخشی از اتفاقاتی است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام روی می‌دهد. این همان زمانی است که ایشان حکومت عدل جهانی را به‌وجود آورده و با این کار آرزوی تمامی پیامبران و مؤمنان را برآورده می‌سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره قیام آن حضرت می‌فرماید:

شما را بشارت باد به مهدی، مردی از خاندان من؛ در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند، قیام می‌کند و زمین را همچنان که از جور و ستم پر شده است از عدل و داد، آکنده می‌سازد.^۱



به نظر شما در دوران ظهور امام زمان، چه تغییراتی در اخلاق مردم، ارتباط کشورهای مختلف با یکدیگر، پیشرفت‌های علمی و وضعیت اقتصادی جامعه رخ خواهد داد؟

عقیده‌ای اثرگذار

اعتقاد به قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام یکی از اثرگذارترین عقاید ما شیعیان است. شیعیان پیوسته در طول تاریخ با انواع سختی‌ها مواجه بوده‌اند؛ اما آنچه به عنوان نیروی عظیم، آنان را به ایستادگی و حرکت و تلاش تشویق کرده، امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق بوده است. البته اعتقاد به ظهور منجی، تنها به ما شیعیان اختصاص ندارد، بلکه سایر مسلمانان نیز به ظهور یکی از فرزندان پیامبر و قیام او برای برقراری عدالت معتقدند. در تعالیم مسیحیت و یهود نیز اعتقاد به نجات‌بخش بزرگ آسمانی به چشم می‌خورد؛ در تورات و انجیل نیز از چنین منجی بزرگی سخن به میان آمده است.

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیری که در زندگی ما به جا می‌گذارد، لازم است شناخت درست و دقیق‌تری از آن به دست آوریم. حتماً در ذهن بسیاری از شما سؤالات فراوانی درباره امام زمان علیه السلام و قیام ایشان هست که در ادامه به پاسخ برخی از آنها خواهیم پرداخت.

۱- حضرت مهدی علیه السلام چگونه نزدیک به ۱۲ قرن عمر کرده است؟

با توجه به آیات قرآن کریم، داشتن عمر طولانی برای انسان، غیرممکن نیست. در آیه ۱۴ سوره عنکبوت مدت حضور حضرت نوح در میان قومش و راهنمایی آنها، ۹۵۰ سال ذکر شده است؛ البته این مدت فقط تا زمان نزول عذاب و نابودی کافران است و خدایم داند که پس از آن، ایشان چندین سال دیگر عمر کرده است. از نظر علمی نیز داشتن عمر طولانی، ناممکن نیست؛ اگر کسی بتواند مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای را به خوبی مراعات کند، از عمر طولانی‌تری برخوردار خواهد بود.

بنابراین طولانی بودن عمر آن حضرت امری ممکن است. همان خدایی که آدم را از گل آفرید و آتش سوزنده را بر حضرت ابراهیم علیه السلام سرد کرد و از میان رود نیل، راه عبوری برای حضرت موسی علیه السلام و پیروانش قرار داد و حضرت عیسی علیه السلام را از جنگ دشمنانش نجات داد و تا امروز او را نزد خویش زنده نگه داشته است، می‌تواند امام زمان علیه السلام را نیز تا به امروز زنده نگه دارد.

امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس به قدرت خدایی اش او را در چهره جوانی کمتر از چهل سال آشکار می‌سازد تا مردم دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.^۱



۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه زمانی قیام می‌کند؟

هر چند وقت یک‌بار می‌شنویم که اشخاصی در کشورهای مختلف ادعا می‌کنند با امام زمان علیه السلام ارتباط دارند و در بین مردم شایعه می‌سازند که امام زمان علیه السلام در فلان وقت ظهور خواهد کرد؛ حتی گاهی افراد دروغگو و پُرمدعایی پیدا می‌شوند که پا را از این فراتر می‌گذارند و ادعا می‌کنند خودشان امام زمان‌اند.

این گونه ادعاها در حالی مطرح می‌شود که در احادیث اهل بیت می‌خوانیم هر کس برای آمدن امام زمان علیه السلام وقتی را معین، یا ادعا کند ایشان را ملاقات می‌کند، دروغ‌گوست.^۲ روشن است که این ادعاها را عده‌ای شیاد با هدف فریب و سوء استفاده از مردم می‌سازند. پس هیچ‌کس نمی‌تواند زمان دقیق قیام آن حضرت را مشخص سازد و بدون شک، هر زمان که شرایط فراهم شود، ایشان ظهور خواهد کرد. یکی از این شرایط، آمادگی مردم جهان برای همراهی با قیام امام است. شرط دیگر، وجود یاران

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۲- الغیبه شیخ طوسی، ص ۳۹۵.

باوفایی است که تا پای جان در راه اهداف و آرمان‌های امام بایستند. یاران حضرت فقط ۳۱۳ یار ویژه نیستند؛ بلکه علاوه بر آنها امام نیاز به هزاران هزار یار خواهد داشت که حضورشان برای پیروزی بر دشمن ضروری است.



۳- برخی می‌گویند وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند، بیشتر مردم کشته می‌شوند؛ آیا این مطلب درست است؟

واقعیت این است که پیش از آمدن امام زمان علیه السلام، ظلم و خونریزی جهان را فرا گرفته است و قدرت‌ها و حاکمان زورگو هر کسی را مخالف منافع خود ببینند، از بین می‌برند. در این شرایط خداوند، امام علیه السلام را برای پایان دادن به جنگ و بی‌عدالتی به میان مردم می‌فرستد. پس هدف امام از قیام، گسترش عدالت و مهربانی است و بی‌شک بسیاری از مردم جهان با این هدف مقدس همراهی خواهند کرد و برای رسیدن به آن، رهبری امام زمان علیه السلام را با دل و جان خواهند پذیرفت. بنابراین امام به جنگ ظالمان و زورگویان می‌رود و با شکست آنان، به خونریزی و جنگ‌های همیشگی پایان می‌دهد.



به نظر شما چرا برخی از کشورهای غربی در کتاب یا فیلم‌های خود سعی می‌کنند شخصیت مهربان امام زمان علیه السلام را به صورت فردی خشن و جنگ‌طلب نشان دهند؟



۴- آیا بعد از شکست حاکمان ظالم و پیروزی امام زمان علیه السلام، جهان پایان می‌یابد و روز قیامت فرا می‌رسد؟

قیام امام برای این است که سرنوشت مردم در دست نیکوکاران و عدالت‌جویان قرار گیرد و مردم جهان پس از سال‌ها به خوشبختی و آرامش برسند. بنابراین، اگر بلافاصله جهان به پایان برسد، آمدن ایشان چه سودی برای مردم خواهد داشت؟ در احادیث می‌خوانیم حکومت امام زمان علیه السلام سال‌ها ادامه خواهد داشت و پس از ایشان نیز صالحان دیگری اداره جهان را به دست خواهند گرفت.



۵- آیا ممکن است ما هم یکی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم؟
 با ظهور امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفر از بهترین انسان‌ها به او می‌پیوندند که اینان بهترین و نزدیک‌ترین یاران آن حضرت‌اند. به جز این، تعداد بی‌شماری از افراد دیگر نیز خودشان را به حضرت مهدی علیه السلام می‌رسانند و آن حضرت را یاری می‌کنند. ما هم از خدا می‌خواهیم که ظهور امام را ببینیم و از یاران خاص یا از هزاران نفری باشیم که افتخار یاری امام زمان علیه السلام را پیدا می‌کنند.
 البته یاران امام زمان علیه السلام فقط کسانی نیستند که ظهور امام را می‌بینند و به آن حضرت می‌پیوندند؛ اکنون هم گروهی از مردم از یاران امام زمان علیه السلام هستند، کسانی که با انجام واجبات دینی، دوری از گناهان، گره‌گشایی از کار گرفتاران و اخلاق نیک، باعث خوشحالی امام زمان می‌شوند. بار امام محسوب می‌شوند. این افراد شاید هرگز حضرت مهدی علیه السلام را نبینند؛ اما چون پیوسته در پی خوشحال کردن امام هستند، یار ایشان به شمار می‌آیند. یاری امام زمان یعنی یاری دین خدا و این کار مختص دوران ظهور نیست.



با دوستان خود گفت‌وگو کنید و بگویید برای اینکه ما نیز لیاقت حضور در جمع یاران امام زمان علیه السلام را داشته باشیم، چگونه باید زندگی کنیم.

منتظران حقیقی

اکنون با شناخت بیشتری که نسبت به امام زمان علیه السلام و قیام ایشان پیدا کردید، حتماً بیش از گذشته در انتظار ظهور آن حضرت و یاری ایشان هستید؛ انتظاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آن می‌فرماید:

از بهترین کارهای امت من انتظار [ظهور حضرت مهدی علیه السلام] است.^۱

حالا فکر می‌کنید ما چگونه می‌توانیم منتظر این رویداد مهم باشیم؟

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

آیا همین که دست روی دست بگذاریم و بنشینیم تا امام مهدی علیه السلام قیام کند و همه چیز را درست کند، می‌توانیم خود را منتظر ایشان بدانیم؟
تصور کنید پس از مدتی طولانی مهمان عزیزی را به خانه دعوت کرده‌اید و او تا ساعاتی دیگر به منزل شما خواهد آمد. برای پذیرایی و استقبال از او چه می‌کنید؟
آیا کسی که می‌داند مهمان بزرگی در راه است؛ ولی برای پذیرایی از او هیچ برنامه‌ای ندارد، می‌تواند بگوید من منتظر او هستم؟

حضرت امام رضا علیه السلام درباره وظایف منتظران واقعی می‌فرماید:
انتظار فرج به چند چیز است: صبور بودن، خوش رفتاری، همسایه‌داری، ترویج کارهای نیک، خودداری از آزار و اذیت دیگران، گشاده‌رویی، خیرخواهی و مهربانی با مؤمنان.^۱

کسی که تلاش می‌کند این صفات را در خودش ایجاد کند، در حقیقت بذرا انتظار امام مهدی علیه السلام را در وجود خود می‌کارد. روشن است که وقتی بهار ظهور فرا می‌رسد، این بذرها جوانه می‌زند و دوستان واقعی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را از دیگران مشخص می‌کند.



- ۱- در چند جمله کوتاه، اتفاقات بعد از ظهور امام زمان را توصیف کنید.
- ۲- قرآن کریم خبر می‌دهد که حضرت نوح علیه السلام عمری طولانی داشت و فقط ۹۵۰ سال قوم خود را به سوی خدا دعوت می‌کرد. از این خبر چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟
- ۳- با توجه به سخن امام رضا علیه السلام سه ویژگی منتظران واقعی امام زمان علیه السلام را بنویسید.
- ۴- دو شرط مهم از شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بنویسید.

پیشنهاد

در نامه‌ای به امام مهدی علیه السلام احساس خود را درباره ایشان، در گفت و گویی صمیمانه به قلم بیاورید.

الهی

من در صبح امروز و تا زمانی که زنده هستم
عهد و پیمان و بیعتی را که با امام زمان علیه السلام بستام، تجدید می‌کنم
و از آن روی نمی‌گردانم
و هیچگاه از آن دست بر نمی‌دارم
خدایا مرا از یاران و مددکاران او
و دفاع‌کنندگان از حضرتش و شتابندگان به سوی او قرار بده
برای برآوردن خواسته‌هایش، اطاعت از دستوراتش،
دفاع از حضرتش، پیشی گرفتن به سوی خواسته‌هایش و کشته شدن در پیشگاهش!

۱- بخشی از دعای عهد، که از دعاهای مشهور و مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود.



درس پنجم

رهبری در دوران غمیت

پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفه هدایت و رهبری مردم بر عهده امامان قرار گرفت. آنان تلاش‌های بسیاری برای اجرای دستورهای الهی و هدایت مردم به سوی دین راستین انجام دادند؛ اما در این مسیر با دو مشکل بزرگ مواجه بودند: از یک طرف، حاکمان ظالم به شدت امامان را تحت فشار قرار می‌دادند و فرصت هر اقدامی را از آنان می‌گرفتند و از سوی دیگر، مردم به دلیل ترس از حاکمان و دل بستن به دنیای زودگذر، وظایف خود را در حمایت و پیروی از امامان انجام نمی‌دادند؛ به گونه‌ای که امام حسن علیه السلام را به پذیرش صلح وادار کردند و امام حسین علیه السلام را تنها گذاشتند.

اوضاع روز به روز برای امامان سخت‌تر می‌شد. حاکمان ظالم امامان را یکی پس از دیگری به شهادت می‌رساندند تا آنجا که سه امام قبل از حضرت مهدی علیه السلام، در سن جوانی به شهادت رسیدند.^۱ در چنین موقعیتی بود که امام مهدی علیه السلام که آخرین امام مسلمانان است، به دستور خداوند از نظرها پنهان شد تا در زمان و موقعیتی مناسب که جامعه شایستگی درک حضور ایشان را داشته باشد، ظهور کند.

۱- امام زهرا، محمدتقی علیه السلام در ۲۵ سالگی؛ امام دهم، علی نقی علیه السلام در ۴۰ سالگی و امام یازدهم، حسن عسکری علیه السلام در ۲۸ سالگی

توسط حاکمان زمان به شهادت رسیدند.

با توجه به اینکه بیش از هزار سال است که امام زمان - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف - در غیبت به سر می‌برند، آیا می‌توانیم بگوئیم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟
تکلیف مردم در این زمان، که دوران غیبت نامیده می‌شود، چیست؟



هدایت‌گران عصر غیبت

یکی از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از ایشان پرسید :

- ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلشان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟
حضرت فرمود :

- خیر، کسی که به این‌گونه حاکمان [حاکمان ظالم و بی‌دین] مراجعه کند و با حکم آنان چیزی به‌دست آورد، در حقیقت به طاغوت^۱ مراجعه کرده و خداوند در قرآن کریم^۲ مردم را از مراجعه به طاغوت نهی کرده است.

او دوباره سؤال کرد :

- ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این‌گونه مسائل چیست؟
امام فرمود :

- باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می‌کنند؛ کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه‌اند و احکام ما را می‌شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده‌ام؛ بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی شوند. پس هر کس که حکم آنان را - که حکم ماست - قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.^۳

۱- حاکمان طاغوت : حاکمانی ظالم و بی‌دین که حق حکومت بر مردم را ندارند.

۲- سوره نساء، آیه ۶۰.

۳- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که حتی در زمان حضور امام معصوم، چون همه افراد به امام دسترسی نداشتند، امامان مردم را به شاگردان خود ارجاع می‌دادند؛ پس وقتی در زمان حضور امامان، افرادی که به ایشان دسترسی ندارند، باید به شاگردان آنان مراجعه کنند، قطعاً در زمان غیبت امام، مراجعه به عالمان دین ضرورت بیشتری می‌یابد. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟ آیا هرکسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می‌کند، شایستگی لازم برای هدایت مردم را دارد؟ امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می‌فرماید:

«مردمی که می‌بینند عالمانشان آشکارا گناه می‌کنند و در جمع‌آوری دنیا و اموال حرام حریص‌اند، ولی باز هم از این‌گونه عالمان پیروی می‌کنند، مانند برخی یهودیانی هستند که خداوند در قرآن آنان را به دلیل پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می‌کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار، که از دین خود محافظت و برخلاف هوای نفس خود رفتار می‌کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند».



با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- به عهده دارند، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟

- ۱-.....
- ۲-.....
- ۳-.....
- ۴-.....



هر یک از ویژگی‌های چهارگانه عالمان، که در سخن امام صادق علیه السلام آمده است، موجب می‌شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می‌اندازد، دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (پرهیزکاری) توجه کنید:

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

بخواهد انجام دهد، در جامعه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟

اسلام‌شناسان و فقیهان واقعی کسانی‌اند که در سخنان و راهنمایی‌هایشان، پیرو سخنان معصومان هستند و در هر مسئله‌ای نظر پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام را برای مردم بازگو می‌کنند. بنابراین پذیرفتن فتوای فقیهان که برگرفته از قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام است، در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فتوای فقها، مخالفت با احادیث معصومان علیهم‌السلام است. به همین دلیل فقیهان، نایب و جانشین امام زمان علیه‌السلام به شمار می‌روند و همان‌گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت نیز باید از جانشینان امام زمان علیه‌السلام؛ یعنی فقیهان پیروی کنند.

با توجه به اینکه هر جامعه‌ای نیاز به حاکم دارد و حاکم مردم مسلمان، باید اسلام‌شناس باشد تا جامعه را در مسیر اجرای دستورات دین هدایت نماید، یکی از فقهای جامع‌الشرایط، در کنار پاسخ‌گویی به مسائل دینی، کار رهبری جامعه را نیز بر عهده می‌گیرد.

به رهبری و هدایت مردم جامعه توسط فقیه جامع‌الشرایط، ولایت فقیه گفته می‌شود. ولی فقیه، اسلام‌شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می‌کند و نمی‌گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورهای خدا شوند.



با کمک هم گروهی‌های خود بگویید که چه تفاوتی

میان وظایف ولی فقیه با سایر فقها وجود دارد؟





بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می‌شناسید که تمام ویژگی‌های لازم برای رهبری و هدایت مردم را داشته باشد؟
 «... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم نسیمی از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در
 ورای آن عباى قهوه‌ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ آن‌چنان که همه بینندگان را
 محو تماشای خود می‌کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همه ما کوچک شده‌ایم و گویا در آن مکان
 اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی
 را که گمان می‌کردم می‌تواند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کند، درهم شکست.
 هنگامی که بر روی صندلی‌اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می‌شود.
 نیرویی که اگر دقت می‌کردی، درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را

چنان آرام و ساکت می‌دیدید که گویی نیرویی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیرویی است که رژیم سابق ایران را به یک‌باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادی باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتی مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانم بگویم، این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او موسای پیامبر است که آمده تا قوم خود را نجات دهد».

آنچه خواندیم، بخشی از نوشته‌های «رویین وودزورث»^۱ یکی از مشهورترین خبرنگاران آمریکاست که پس از ملاقات با امام خمینی رحمة الله علیه در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته است.

کتاب وی^۲ یکی از صدها کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده است. امام خمینی رحمة الله علیه رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان حتی دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به تحسین وامی‌دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا^۳ که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران دست برنداشته است، در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن‌چنان رعداً بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی^۴ را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزنند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده، در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت»^۵.

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک‌باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

۱- Robin woodsworth

۲- این کتاب با نام «زیباترین تجربه من» ترجمه و منتشر شده است.

۳- کیسینجر

۴- منظور کیسینجر از برنامه‌ریزی، نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف‌تر است.

۵- عصر امام خمینی، ص ۳۷.

او که عابدی شب‌زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادی‌ترین مردم زندگی می‌کرد. در تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریهٔ کودکی را می‌شنید، بسیار ناراحت می‌شد. برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد. در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: «به من خدمتگزار بگویند بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید».



اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی رحمة الله علیه بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، وظیفهٔ هدایت و رهبری مردم به عهدهٔ او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعهٔ اسلامی به عهدهٔ یکی از نزدیک‌ترین یاران او؛ یعنی آیت الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوراندیشی، شجاعت، پرهیزکاری و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان رهبری، وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعهٔ اسلامی معرفی کند.

خودت را امتحان کن

- ۱- چه چیزی باعث شد تا امام مهدی علیه السلام به دستور خداوند از نظرها غائب شود؟
- ۲- توضیح دهید چرا مردم باید از فتوای فقها پیروی کنند؟
- ۳- سه مورد از ویژگی‌های امام خمینی رحمة الله علیه را بیان کنید.

پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که دربارهٔ زندگی امام خمینی رحمة الله علیه و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

الهی

خدایا در دوران غیبت امام زمان
ما را در پیروی از راه و روش او پایدار گردان
و ما را به کارهایی مشغول بدار که موجب خشنودی او باشد
و یاری کن تا خود را از بدی‌ها پاک سازیم
تا در زمره یاران او قرار گیریم.
خدایا عالمان دین را که حافظان دین تو در عصر غیبت اند، نصرت فرما
و تلاش ارزشمند آنان را به نیکی پاداش ده.



راهی که ما انسان‌ها به سوی خدا طی می‌کنیم، به توشه نیاز دارد. در سال‌های گذشته برخی از این توشه‌ها را شناختیم. در سال هفتم با دوران بلوغ، «افتخار بندگی»، و شرایط و ویژگی‌های آن آشنا شدیم و دانستیم برای انجام عبادت‌هایی همچون نماز که «ستون دین» است؛ باید «به سوی پاکی» حرکت کنیم و از ناپاکی‌هایی همانند خون و دیگر نجاسات پرهیز کنیم. همچنین آداب و احکام «نماز جماعت» و غسل را نیز فرا گرفتیم. علاوه بر این با روزه که «یک فرصت طلایی» است و ما را به سوی خداوند تعالی سوق می‌دهد، نیز آشنا شدیم.

امسال با برخی دیگر از این توشه‌ها آشنا می‌شویم :

درس ششم (وضو، غسل و تیمم) مقدمه انجام نماز را بیان می‌کند. برای به جا آوردن نماز باید وضو گرفت و در برخی شرایط می‌توان به جای وضو، تیمم کرد که در این درس با احکام و شرایط آن آشنا می‌شویم.

درس هفتم (احکام نماز) ما را با برخی از کارهایی که موجب باطل شدن نماز می‌شود، آشنا می‌کند.



دس ششم

وضو، غسل و تیمم^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره حکمت وضو می فرماید :

«شستن صورت در وضو؛ یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم، آن را شست و شو می کنم تا با صورت پاک به جانب تو بایستم و عبادت کنم؛ شستن دست ها در وضو یعنی خدایا، از گناه دست شستم و به واسطه گناهایی که با دستم مرتکب شدم، دستم را تطهیر می کنم. مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر فکر و خیال باطل و گناه آلود که در سر پرورانده ام، سرم را تطهیر می کنم؛ مسح پا یعنی خدایا من از رفتن به مکان های نامناسب پا می کشم^۲».



■ وقتی می خواهیم نماز بخوانیم؛

■ وقتی قصد داریم دستمان را به آیات قرآن بزنیم؛

■ وقتی به یکی از نام های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می زنیم؛

در تمام این موارد، واجب است وضو داشته باشیم.

علاوه بر این، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم های امامان علیهم السلام، رفتن به مسجد، زیارت اهل قبور و حتی هنگام خوابیدن از مواردی هستند که شایسته است، انسان در این زمان ها وضو داشته باشد.

۱- همکار گرامی، این درس جهت آشنایی دانش آموزان با برخی از احکام نگاشته شده است و هدف آن حفظ واژه ها و طرح سؤالات

بیچیده و معماگونه نیست.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۲.

پیامبر ﷺ درباره آثار وضو می فرماید :

«سیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!»^(۱)



با توجه به حدیث پیامبر ﷺ چند مورد از آثار وضو را بیان کنید.

شرایط وضوی صحیح

کسی که می خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح وضو گرفتن، باید به نکته های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارد.

این شرایط عبارت است از :

۱- پاک بودن آب وضو : آبی که با آن وضو می گیریم، باید پاک باشد. اگر فراموش کنیم که آبی نجس است یا بعداً متوجه شویم که آن آب نجس بوده است و با همان آب نجس، وضو گرفته باشیم، وضوی ما باطل است.

۲- مُطْلَق بودن آب وضو : پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب ها به دو دسته تقسیم می شوند : مطلق و مضاف.

آب مطلق : به آب خالصی گفته می شود که با چیز دیگر آمیخته نشده یا از چیزی گرفته نشده باشد؛ آب باران، آب چشمه ها و چاه ها، آب رودها، دریاها و آب لوله کشی که در خانه ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می شود.

آب مضاف : آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته اند؛ مانند گلاب و آب میوه یا با چیز دیگری مخلوط شده باشد - مثل آب نمک غلیظ و آب های خیلی گل آلود، به گونه ای که دیگر به آن آب گفته نشود - آب مضاف نامیده می شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی توانیم با آب مضاف، وضو بگیریم.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۳ و مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن : آبی که ما با آن وضو می‌گیریم، باید مباح باشد؛ یعنی یا آب برای خودمان باشد یا اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی^۱ حرام است و وضو نیز با این آب، باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند، صحیح است.

۴- پاک بودن اعضای وضو : اگر صورت، دست‌ها، سر یا روی پاها هنگام وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

۵- نبودن ممانع در اعضا : هنگام وضو، اگر چیزی مانع رسیدن آب به اعضای وضو شود (مثل چربی کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند، لاک روی ناخن، چسب و رنگ) وضوی ما باطل خواهد بود.

۶- ترتیب : واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتمان را می‌شوئیم؛ سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شوئیم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شوئیم؛ بعد با همان رطوبتی که در کف دست مانده است، سر را مسح و با همان رطوبت، روی پای راست را با دست راست مسح می‌کنیم و روی پای چپ را با دست چپ. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می‌شود.

۷- موانع : واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن، کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و مشغول صحبت شود، بدون آنکه کارهای وضو را دنبال کند، وضوی او باطل است.

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.



الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضو صحیح و در کدام یک، باطل است.

■ آب پاک در اختیار نداریم و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیریم.

.....

.....

■ در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیریم.

.....

.....

■ هنگام وضو گرفتن، کسی با تلفن ما تماس بگیرد و ما چند دقیقه‌ای مشغول صحبت با او شویم و بعد از پایان صحبت، وضوی خود را ادامه دهیم.

.....

.....

ب) در حضور معلمان وضو بگیرید و از او بخواهید اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

بیشتر بدانیم

چند مسئله مهم وضو

اول — اگر ناخن فرد از حد معمول بلندتر باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.

دوم — خانم‌ها نباید جایی وضو بگیرند که نامحرم آنان را ببیند؛ مثل حیاط مساجد، هر چند این کار وضو را باطل نمی‌کند.

سوم — اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده است نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.

چهارم — کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد؛ در این حال، مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام دهد.

پنجم — راه رفتن بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

ششم — اگر بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است، در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

هفتم — در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردن‌بند، که نام خدا بر آن است — و با بدن تماس دارد — باید با وضو بود.

غسل

به هنگام واجب شدن غسل^۱ بر انسان، غسل ترتیبی^۲ را به صورت زیر انجام می دهیم :

- ۱- نیت
- ۲- شستن تمام سر و گردن
- ۳- شستن نیمه راست بدن
- ۴- شستن نیمه چپ بدن

تیمم

مواردی وجود دارد که به جای وضو یا غسل، تیمم باید کرد. برخی از این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف :

- ۱- آب در دسترس دارد؛ ولی غصبی، نجس یا خیلی گل آلود است.
- ۲- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.



به کمک دوستان خود سه مورد دیگر از مواقعی را که باید به جای وضو

تیمم کرد، بیان کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-

شیوه انجام تیمم

پس از آنکه نیت کردیم، برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل تیمم کنیم، مراحل صفحه

بعد را به ترتیب انجام می دهیم :

۱- برای آشنا شدن با عواملی که سبب می شود غسل واجب شود به رساله مراجع، مراجعه کنید و یا از راهنمایی های دبیر خود بهره مند

شوید.

۲- غسل را می توان به روش ارتماسی نیز انجام داد.



■ کف هر دو دست را با هم روی خاک پاک و با هر چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، می‌زنیم.



■ دست‌ها را بالای پیشانی می‌گذاریم و آنها را تا روی ابروها و بالای بینی می‌کشیم.



■ کف دست چپ را بر پشت دست راست می‌گذاریم و از میچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.



■ کف دست راست را پشت دست چپ می‌گذاریم و از میچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.

- برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کند، عبارت‌اند از:
- ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن
 - ۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود).



با همفکری دوستان خود بگویید تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است.

- ۱- از شرایط وضوی صحیح، پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۲- سه مورد از مواردی را که مکلف باید برای نماز، تیمم کند، بیان کنید.
- ۳- شیوه صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه، توضیح دهید.

خودت را امتحان کن

۱- علاوه بر این، مبطلات وضو و تیمم، چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

الهی

دعای وضو

امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام وضو گرفتن این دعاها را می خواند :

وقتی خواست دستها را بشوید، خطاب به خداوند عرض کرد :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ خدا یا! مرا از توبه کنندگان
وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و پاکان قرار ده.

چون خواست صورت را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي خدا یا! مرا روسفید گردان
يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ در آن روزی که چهرهها سیاه می شوند،
وَلَا تُسْوِدْ وَجْهِي و مرا روسیاه مگردان،
يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ در آن روز که انسانهایی روسفید
می گردند.

وقتی خواست دست راست را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي خدا یا! کتاب اعمالم را به دست راستم بده
وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيَسَارِي و جاودانگی در بهشت را به دست چپ
وَ حَاسِبِنِي حِسَابًا يَسِيرًا و در حسابرسی بر من آسان بگیر.

آن‌گاه که دست چپ را می‌شست، گفت :
اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي خدایا! کتاب اعمالم را به دست چپ
وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي و از پشت سرم به من مده
وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَيَّ عُنُقِي دست‌هایم را با زنجیر به گردنم میند
وَاعْوِذُ بِكَ مِنْ مُقْطَعَاتِ التَّيْرَانِ و از پاره‌های آتش عذاب به تو پناه
می‌برم.

هنگام مسح سر، عرض کرد :
اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ خدایا! مرا در پوشش رحمت و
وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ برکت‌ها و گذشت خویش، قرار ده.

هنگام مسح پاها، عرض کرد :
اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ خدایا! گام‌هایم را بر صراط ثابت
وَاسْتَوَارِ بَدَارِ و استوار بدار
يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ در آن روز که قدم‌ها بر صراط
می‌لرزد
وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي و تلاش مرا در راه رضای
خودت قرار ده.
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ای صاحب عظمت و بزرگی!

چه زیباست که این دعا را حفظ کنیم و در هنگام وضو بخوانیم
تا اقتدایی باشد به پیشوای بزرگمان، امام علی علیه‌السلام.



درس هفتم

احکام نماز

ما هریک از دوستانمان را تا اندازه‌ای دوست داریم؛ یکی را کم و یکی را بیشتر. هر قدر دوستی بین دو نفر عمیق‌تر باشد، یاد دوست تداوم بیشتری می‌یابد و به آنجا می‌رسد که انسان همواره به یاد دوست است؛ همین تکرار یاد دوست سبب تقویت دوستی و استحکام آن می‌گردد.

یاد خدا هم نشانه دوستی و محبت ما به خداست و به راستی چه دوستی بهتر از خالق که خود را دوستدار ما نامیده است.

یاد خدا، همچنین احساس حضور او در زندگی را افزایش می‌دهد و هنگامی که انسان حضور خداوند را در زندگی حس کرد و او را حاضر و ناظر بر خود یافت، می‌کوشد که در حضور او ادب را رعایت کند و کارهایی را انجام دهد که او می‌پسندد و از آنچه او را ناخشنود می‌کند، دوری نماید.

نماز، نمونه کامل چنین امری است. هریک از ما، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز به پیشگاه خدا نماز می‌گزاریم و یاد او را در دل تقویت می‌کنیم.

در نماز خداوند را «تسبیح» می‌گوییم و او را از هر بدی و زشتی منزه می‌داریم.

در نماز خداوند را «حمد» می‌کنیم و همه خوبی‌ها و زیبایی‌هایش را می‌ستاییم.

نماز، زیباترین شکل «شکرگزاری» از خداست. تمام نعمت‌هایی را که در زندگی داریم، او به ما عنایت کرده و ما با انجام نماز، شکر آن نعمت‌ها را به جا می‌آوریم و او را سپاس می‌گوییم.

همچنین نماز، یکی از بهترین راه‌های تقویت «ایمان» در قلب آدمی است. پس خوشا به حال آنان که با به یاد داشتن نماز، به دعوت دوستی خدا، لبیک می‌گویند.

۱- همکار گرامی، این درس برای آشنایی دانش‌آموزان با برخی از احکام نماز نگاشته شده است و هدف، حفظ واژه‌ها و طرح

سؤالات پیچیده و معماگونه نیست.



با توجه به شعر زیر، بگویید که سعدی در این شعر چه چیز را

شرط آدمیت دانسته است؟

عقل و صبرم بُرد و طاقت و هوش

دوش مرغی به صبح می‌نالید

مگر آواز من رسید به گوش

یکی از دوستان مخلص را

بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفت باور نداشتم که تو را

مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش

گفتم این شرط آدمیت نیست



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، علاوه بر جلب خشنودی خداوند، تأثیر بسیاری بر روح و روان انسان خواهد گذاشت. ما در این درس احکام دیگری را بیان می‌کنیم که بی‌توجهی به آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

مُبطَلات نماز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که به صورت خلاصه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بود. اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته است یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار باطل شود، نماز نیز باطل خواهد شد.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی و یا سهوی بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن یا خنده با صدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۱- کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

۵- حرف زدن بین نماز : اگر نمازگزار بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد (مثلاً بگوید آخ)، نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است و باید دو سجده سهو به جا بیاورد.^۱

۶- به هم زدن صورت نماز : اگر نمازگزار بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به هم بزند، مثلاً دست بزند یا به هوا ببرد، نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۷- خوردن و آشامیدن : خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود؛ اما اگر نمازگزار ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، بین نماز قورت دهد، نمازش صحیح است.

۸- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز : ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان، تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۹- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی : اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهاررکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.^۲

چند مسئله مهم درباره نماز

■ اگر نمازگزار ذکرهای نمازش را آنقدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.

■ اگر ذکرهای واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی‌خیزد، نمازش باطل می‌شود.

■ نمازگزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته به سلام غلطی که سلام به حساب نمی‌آید یا از روی تمسخر انجام می‌شود، نباید پاسخ داد.

۱- سجده سهو این گونه انجام می‌شود: بلافاصله بعد از نماز، نیت «سجده سهو» می‌کنیم و به سجده می‌رویم و می‌گوییم «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»؛ سپس سر از سجده برمی‌داریم و می‌نشینیم دوباره به سجده رفته و همان ذکر را می‌گوییم و بعد از آنکه سر از سجده برداشتیم تشهد می‌خوانیم و سلام می‌دهیم.

۲- برای آشنایی با سایر مبطلات نماز به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.

- سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند.
- اگر نمازگزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می‌کند، انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.
- گریه کردن برای آمرزش گناهان در حال نماز، چه آهسته باشد و چه با صدای بلند، عمل پسندیده‌ای است.
- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است؛ ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی اشکالی ندارد.



نقالت کلاسی

در هر یک از موارد زیر آیا نماز نمازگزار،

صحیح است یا خیر؟

۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از ذکرهای نماز را در حال حرکت می‌گوید.

۲- وسط اطاق نماز می‌خواند، به طوری که برادر کوچکش محکم با سه‌چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند: آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.

۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار

برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود رو به قبله برمی‌گردد و بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.

۴- در حالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.

۵- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند؛ بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.

۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.

۲- در چه زمانی انسان می‌تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟

۳- اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

خودت را امتحان کن

بیشتر بدانیم

چند حدیث درباره نماز

- امام علی علیه السلام : نماز قلعه خدای مهربان و وسیله‌ای برای دور کردن شیطان است.^۱
- امام علی علیه السلام : هنگامی که انسان به نماز بایستد، به خاطر رحمت خداوند، که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می‌نگرد.^۲

۱- خصال، ۶۳۲/۱۰.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۶۶.

الهی

دعای بعد از نماز
خداوندا! این نمازی بود که به درگاه تو گزاردم
نه به خاطر آنکه تو نیازمند آن هستی
و یا رغبت و تمایلی به آن داری
بلکه برای بزرگداشت و طاعت تو
و پذیرش آن چیزی که مرا به آن فرمان دادی
خداوندا! اگر در نماز من
کژی و کاستی دیدی،
چه در رکوع آن
و چه در سجود آن،
مرا مؤاخذه نکن
و با پذیرفتن نماز من و مغفرت خویش
مرا مشمول فضل خود قرار ده!

اخلاق

فصل هفتم

در سال‌های گذشته در فصل اخلاق کتاب‌های پیام‌های آسمان با این موضوعات آشنا شدیم :
سال هفتم : نقش مثبت حیا و حجاب در زندگی (نشان عزت)، اهمیت علم در زندگی و نقش آن
در ارتقای جایگاه مسلمانان (بر بال فرشتگان)، معیارهای انتخاب دوست خوب (کمال همنشین)، و
شناخت دو صفت عجله و تنبلی و راهکارهای درمان آنها (مزدوران شیطان).

سال هشتم : بررسی راه‌های دست یافتن به زندگی آرام با حفظ حیا و حجاب (نشان ارزشمندی)،
شناخت آفت‌های اسراف، مصرف‌گرایی و مدگرایی در زندگی و راه‌های پرهیز از آنها (تدبیر زندگانی)،
آشنایی با دو سرمایه عمر و تفکر در زندگی و نقش آنها در رستگاری انسان (دو سرمایه گران‌بها)،
شناخت سه بیماری مهم زبان؛ دروغ، غیبت و ناسزا و راه‌های درمان آنها (آفت‌های زبان)، جایگاه
کار در اسلام و نقش روزی حلال در زندگی (ارزش کار)، و آشنایی با آداب دعا و شیوه استفاده از
آن برای یاری گرفتن از خداوند (کلید گنج‌ها).

امسال با یکی دیگر از موضوعات اخلاقی آشنا می‌شویم :

درس هشتم (همدلی و همراهی) : ما را با ویژگی‌های دوستان خوب آشنا می‌کند. ویژگی‌هایی
مانند دانایی و خردمندی، خیرخواهی و دوری از گناهان. همچنین وظایف خودمان نسبت به دوست را
نیز در این درس فرا می‌گیریم.



درس هشتم

هدلی و همراهی

پاره ای از آتش؟

نزدیک تر از خوشاوند،

ترسناک تر از هر چیز؟

برترین اندوخته و سرمایه؟

شمسیری زیبا از هر آلوده

عالم زنده شدن روح و روان انسان

به نظر شما توصیف‌های ستون اول درباره چه چیز یا چه کسی است؟
توصیف‌های ستون دوم چه؟

به نظر شما ممکن است توصیف‌های هر دو ستون درباره یک چیز یا یک شخص باشد؟
همه این توصیف‌هایی که خواندید، ویژگی‌هایی است که در روایات به دوست و همنشین نسبت داده شده است.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چگونه ممکن است که دوست انسان از یک سو به عنوان
برترین اندوخته و سرمایه معرفی شود و از سوی دیگر به عنوان پاره‌ای از آتش؟

۱- امام علی علیه السلام غرالحکم، ج ۱، ص ۱۴، ح ۲۳ .

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کنز العمال، ۲۴۸۵۵ .

۳- امام علی علیه السلام غرالحکم، ۱۶۶۵ .

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷ .

۵- امام علی علیه السلام، غرالحکم، ۵۸۴۲ .

۶- امام جواد علیه السلام، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸ .

انتخاب سرنوشت‌ساز

انتخاب دوست در دوران نوجوانی، اهمیت و حساسیت بالایی دارد. این اهمیت به دو دلیل است؛ اول اینکه در سنین بلوغ، عواطف انسانی در حال رشد و شکوفایی است و برقراری پیوند دوستی در این دوران به این شکوفایی کمک می‌کند و باعث پرورش عواطف نوع دوستی و محبت‌ورزی می‌شود. دوم اینکه وقتی علاقه قلبی بین دو دوست ایجاد می‌شود، آن دو، از صفات و حالات همدیگر تأثیر می‌پذیرند. میزان این اثرپذیری در دوران نوجوانی بسیار بالا و گاه به حدی است که شخص می‌کوشد مانند دوست خود حرف بزند و مثل او انتخاب و زندگی کند.

البته این اثرپذیری بسیار آرام و تدریجی است؛ به گونه‌ای که گاه حتی خود انسان نیز متوجه آن نمی‌شود و به مرور به همرنگی کامل با دوستانش می‌انجامد. امام علی علیه السلام درباره این اثرپذیری می‌فرماید: از دوستی با افراد فاسد بپرهیز که وجودت ناخودآگاه، ناپاکی و بدی را از آنان می‌رباید؛ درحالی که تو از آن بی‌خبری.^۱



شاید شما نمونه‌هایی از این اثرپذیری تدریجی را از دوستان پیرامون خود دیده باشید. این نمونه‌ها را برای دوستان خود بیان کنید.

بهترین دوست

دوستان شما چه کسانی هستند؟ آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید چرا آنها را به عنوان دوست خود انتخاب کرده‌اید؟ معیار و ملاک شما برای انتخاب آنان چه بوده است؟ آیا می‌توان با یک برخورد اتفاقی یا بر اساس ظاهر افراد آنان را برای دوستی انتخاب کرد؟

بالا بودن میزان تأثیری که دوستان بر اخلاق و رفتار ما می‌گذارند، اهمیت دقت در انتخاب دوستان را به خوبی آشکار می‌کند. پس شایسته است دوستان خود را با معیارهایی انتخاب کنیم که در نهایت باعث رشد و پیشرفت اخلاقی و فکری ما شود. با برخی از این معیارها در کتاب سال هفتم آشنا شدیم؛ مواردی همچون اهل نماز و نیکی بودن، صداقت و راست‌گویی و وفای به عهد. این بار نیز با

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

مراجعه به قرآن کریم و سخنان پیشوایان، با برخی ویژگی‌های دیگر دوست خوب آشنا می‌شویم. با تفکر در کلمات این راهنمایان درمی‌یابیم دوست واقعی آن کسی است که :

۱- اهل فکر و اندیشه باشد^۱

یکی از معیارهای مهم در انتخاب دوست این است که شخصی را که به دوستی انتخاب می‌کنیم، عاقل باشد. دوست خردمند و دوراندیش، ما را در گرفتن تصمیمات درست، کمک می‌کند و خطر قرار گرفتن در مسیرهای نامناسب را از ما دور می‌کند. چنین دوستی، بدون فکر و اندیشه راهی را پیش پای دوست خود نمی‌گذارد و اگر خودش نیز نتواند دوستش را راهنمایی کند، او را به سمت مشورت با افراد آگاه و مطلع سوق می‌دهد.

از سوی دیگر، دوستی با افراد نادان؛ یعنی کسانی که کارهای خود را نه بر اساس فکر و اندیشه بلکه بر مبنای احساسات و هیجانات زودگذر انجام می‌دهند، ضررهای زیادی برای ما به همراه دارد. این افراد با دادن مشورت‌های غلط و نادرست به دوستان خود، زمینه‌های انحراف و لغزش آنان را فراهم می‌آورند.

برای همین، در روایات توصیه شده است که از دوستی با فرد نادان پرهیز کنید؛ زیرا او می‌خواهد که به نفع شما قدمی بردارد؛ ولی به علت نادانی، مایهٔ زیان و ضرر شما می‌شود^۲.

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت می‌کند بر زمینت می‌زند نادان دوست^۳

۲- اهل گناه نباشد و از گناه دیگران نیز ناراحت نشود^۴

دوری کردن از گناهان و آلودگی‌های اخلاقی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دوست خوب است. متأسفانه برخی انسان‌ها به گناه و زشتی و بی‌بندوباری عادت کرده‌اند و با هر کس دیگر که دوست شوند، او را نیز تحت تأثیر خلق و خوی ناشایست خود قرار می‌دهند. به همین دلیل حضرت علی علیه السلام دوستی با این گونه افراد را به شدت منع کرده است :

۱- سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۹؛ و امام علی علیه السلام، کافی، ج ۴، ص ۸۵.

۲- امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.

۳- سعدی.

۴- امام علی علیه السلام، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۴.

«سزاوار و شایسته نیست که مسلمان با افراد بی‌بندوبار رفاقت کند زیرا او کارهای زشت خود را زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که دوستش هم‌رنگ او باشد.»^۱

پس هرگاه دیدید که دوستان به راحتی گناهان خود را برای شما تعریف می‌کند و شما را نیز به انجام آن یا همراهی با خود دعوت می‌کند، یا اگر دیدید وقتی اشتباه یا گناهی مرتکب می‌شوید، دوستان با خنده از کنار شما می‌گذرد و حتی شما را به ادامه آن کار تشویق می‌کند، باید بدانید که وی دوست مناسبی نیست. این افراد در روایات به شمشیری زهرآلود تشبیه شده‌اند که اگرچه ظاهرشان براق و زیباست؛ اما بسیار خطرناک‌اند.^۲

چون بی‌ابلیس آدم روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست^۳

۳- خیر خواه دوستانش باشد^۴

دوستان واقعی، خیر یکدیگر را می‌خواهند. برای همین هر عیبی که از دوستان ببینند، پنهانی به او تذکر می‌دهند و دوستان را در برطرف کردن این عیوب یاری می‌کنند، گرچه در این میان ممکن است طرف مقابل متوجه خیرخواهی دوستش نباشد و از این کار ناراحت شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«محبوب‌ترین دوستانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد».^۵



ویژگی‌هایی که بیان شد، می‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب دوستان باشد. کسانی که به این ویژگی‌ها توجه نکردند و با اهمیت دادن به جنبه‌های مادی و ظاهری با هرکسی که سر راهشان قرار گرفت، دوست شدند، سرنوشت خوبی در این دنیا پیدا نکردند. این افراد در آخرت نیز چیزی جز حسرت و پشیمانی به همراه نخواهند داشت.

و یَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ
و روزی که ظالم دو دست خویش را با دندان می‌گزد

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۵۴. ۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸. ۳- مولوی، مثنوی معنوی.
۴- امالی صدوق، ص ۳۹۷. ۵- کافی، ج ۲، ص ۶۳۹.

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا و می گوید ای کاش با پیامبر [و دین او] همراه می شدم.

یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً
وای بر من، کاش فلان شخص را به عنوان دوست
خود انتخاب نمی کردم،
او مرا از یاد خدا گمراه کرد، پس از آنکه آن [یاد خدا]
به من رسیده بود.



فرهاد به همراه خانواده خود به یک محله جدید آمد. او در این محل با یکی از هم سن و سالان خود، که در همسایگی شان بود، دوست شد؛ اما با گذشت زمان، رفتارهایی از او دید که متوجه شد که وی دوست مناسبی نیست. فرهاد اکنون بر سر یک دوراهی است؛ از یک سو نمی خواهد به دوستی خود با او ادامه دهد و از سوی دیگر نمی داند که چگونه می تواند به این دوستی نامناسب پایان دهد. شما چه پیشنهادهایی به او می دهید؟



دوستی به رنگ سراب

برخی برای دوستی با دیگران معیار مشخص و مناسبی ندارند و هنگامی که از آنها می پرسى چرا با این فرد دوست شدید؟ می گویند چون ظاهر جذابی داشت یا شیفته حرف هایش شدم؛ برخی ها حتی وضعیت مالی افراد را سبب دوستی با آنها معرفی می کنند. حدس بزنید که این گونه دوستی ها چه نتایجی می تواند داشته باشد.

وقتی کسی را دوست می داریم، محبت ما نمی گذارد خطاها و نقاط ضعف او را به خوبی ببینیم و به همین دلیل به راحتی به او اعتماد می کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این حالت انسان می فرماید:

دوست داشتن هر چیز، تو را نسبت به عیب های آن کور و کر می کند.^۲

صفحات حوادث روزنامه ها و مجلات، انباشته از سرگذشت کسانی است که با ملاک های

۱- سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹. ۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸.

ظاهری به دیگران علاقه‌مند می‌شوند و سپس به خاطر محبت و اعتمادی که به آنها دارند، طبق خواسته‌های آنان رفتار می‌کنند. این افراد به راحتی فریب می‌خورند و مورد سوءاستفاده کسانی قرار می‌گیرند که با حرف‌ها و ظاهری آراسته، خود را در قلب آنان جای داده بودند.

اشکال دیگر این دوستی‌ها ناپایداری آنهاست. به نظر شما شخصی که تنها به خاطر ظاهر کسی به او علاقه‌مند می‌شود، تا چه زمانی می‌تواند به این دوستی ادامه دهد؟ همین که این شخص، فردی با ظاهر زیباتر ببیند دوست قبلی خود را فراموش می‌کند و دلباخته بعدی می‌شود. اکنون باید پرسید که تکلیف دوستی قبلی چیست و این قطع ناگهانی دوستی بر روحیه افراد چه تأثیری خواهد گذاشت؟ پاسخ آن همه اعتماد و روزها و ساعت‌های تلف شده را چه کسی خواهد داد؟!

حدود و وظایف دوستی

حفظ دوستی از پیدا کردن دوست مشکل‌تر است. پایداری رابطه دوستی و رسیدن به ثمرات و نتایج آن بستگی به رعایت برخی از حدود و انجام وظایف متقابل دارد.

برخی از این حدود و وظایف عبارت‌اند از:

۱- **احترام به دوست:** اگرچه بین دوستان نزدیک باید صمیمیت حکم فرما باشد؛ اما در هر حال باید به شخصیت همدیگر احترام گذارند و از محدوده ادب و اخلاق خارج نشوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

به اتکای رابطه صمیمانه و دوستانه، حق برادرت را ضایع مکن؛ زیرا این عمل رابطه دوستی را از بین می‌برد و کسی که حقش را ضایع ساخته‌ای، دیگر دوست تو نخواهد ماند!

نام ناپسند نهادن، مسخره کردن، شوخی‌های آزاردهنده، استفاده بیش از حد و بدون اجازه از وسایل دوستان، از مواردی است که پیوند دوستی را سست می‌کند.

۲- **میان‌روی در دوستی:** لازمه دوستی پایدار، رعایت میان‌روی است. گاه شیفتگی فوق‌العاده به دوست باعث می‌شود که حدود دوستی رعایت نشود و همین مسئله مشکلاتی را برای ما به وجود می‌آورد.



میان‌روی در دوستی را باید در چند مورد به خوبی رعایت کرد :

الف) پرهیز از گفتن تمامی اسرار به دوست : در عین اعتماد به دوست، نباید همهٔ اسرار زندگی خود را به او بگوییم. چه بسیار اتفاق افتاده است که دوستی‌ها به هم می‌خورد و افراد به افشای اسرار دوست خود اقدام می‌کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید :

محبت خود را نثار دوست کن، و در عین حال به طور مطلق به او اعتماد مکن.
 همان‌گونه که می‌خواهی با تو رفتار نماید با او رفتار کن، اما همهٔ اسرار را با او در میان مگذار.^۱

ب) نداشتن توقع بی‌جا از دوست : نباید انتظار داشته باشیم دوست ما هرگونه خواستهٔ ما را برآورده سازد و یا همواره برای ما فداکاری کند و به خاطر ما از همه چیز خود بگذرد. برخی از افراد، توقع ایثار و فداکاری یک‌طرفه از دوست خود دارند؛ تا جایی که انتظار دارند در هر امر باطل و ناحقی هم از آنان حمایت کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید :

کسی که از دوست خود جز فداکاری انتظار ندارد، همواره [از او] خشمگین و ناراحت است.^۲

ج) پرهیز از علاقهٔ افراطی : دوستی‌های دوران نوجوانی، ممکن است به سرعت به علاقه‌های بسیار شدیدی تبدیل شود. این نوع علاقه‌های افراطی موجب اضطراب و پریشانی خاطر می‌شود و آرامش زندگی انسان را برهم می‌زند؛ زیرا فرد همواره نگران از دست دادن دوست خود یا دور شدن از اوست.



به نظر شما چگونه می‌توان از ایجاد دل‌بستگی‌ها و علاقه‌های افراطی در دوستی‌ها جلوگیری کرد؟ و اگر کسی دچار این اشتباه شود، چگونه می‌تواند خود را از این وابستگی نجات دهد؟

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۱۲.

۱- میزان‌الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۹۰.

من و تنهایی!

حتماً دل تو نیز گاهی گرفته است و در آن لحظه دوست داشته‌ای با کسی درددل کنی، با دوستی که بی منت پای درددل هایت بنشیند و تو و غصه‌هایت را درک کند؛ اما در آن لحظه چنین دوستی را نیافته‌ای و از ته دل آهی کشیده‌ای و گفته‌ای: من چقدر تنهایی! در چنین لحظاتی چه می‌کنی؟

اگرچه برخی این نوع تنهایی را مجوّزی می‌دانند تا سراغ دوستی‌هایی بروند که با معیارهای گفته شده همخوانی ندارد؛ اما هستند کسانی که در لحظات دل‌تنگی به یاد دوستی می‌افتند که از هر کسی به آنان نزدیک‌تر است؛ دوستی که همیشه همراهشان است. کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه با او سخن می‌گفت:

«ای دوست آن کس که دوستی ندارد؛ ای مهربان در حق آن که کسی به او مهربانی نمی‌کند؛ ای رفیق آن که رفیقی ندارد و ای مونس و همدم کسی که همدمی ندارد...»^۱
و امام حسین علیه السلام این‌گونه با او نجوا می‌کرد:

«ای تکیه‌گاه من در سختی‌ها، ای همدم من در تنهایی، ای فریادرس من در سختی‌ها...»^۲
شما هم حرف‌هایتان را به او بزنید؛ با او درد دل کنید؛ از غم‌ها و غصه‌ها و خواسته‌هایتان به او بگویید و سپس به صدای قلب خود گوش کنید؛ ببینید چه آرام شده است! آرامشی که تاکنون از صحبت با هیچ کس به دست نیامده بود. این بخشی از پاسخ خدا به درددل‌های شماست. البته او پاسخ‌های دیگری نیز برایتان دارد!

۱- (فرازی از دعای جوشن کبیر)

۲- (فرازی از دعای عرفه)

دوستی در فضای مجازی

یکی از محیط‌هایی که از سوی برخی از نوجوانان و جوانان به‌عنوان مکانی برای دوست‌یابی انتخاب می‌شود، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است. اما آیا در این نوع دوست‌یابی‌ها می‌توان به صداقت یا خیرخواهی طرف مقابل و یا ملاک‌های دیگری که باید در انتخاب دوست به آن توجه کرد، پی برد؟ ممکن است برخی بگویند که ما فقط برای سرگرمی و وقت‌گذرانی سراغ این گونه دوستی‌ها می‌رویم؛ اما بهتر است توجه داشته باشیم که پس از مدتی این ارتباطات عمیق‌تر می‌شود و حتی شکل احساسی نیز به خود می‌گیرد و همین باعث می‌شود که بین طرفین دلبستگی به‌وجود آید؛ دلبستگی‌هایی که در بسیاری از موارد پایان خوبی ندارد.



از سوی دیگر از آنجا که این ارتباطات در فضایی مجازی رخ می‌دهد، امکان هویت‌سازی جعلی نیز وجود دارد. یعنی افراد می‌توانند با ساختن هویت دروغین به معرفی خود به دیگران بپردازند. از همین جهت میزان سوءاستفاده در این فضا به مراتب بیشتر از فضای واقعی است. بارها اتفاق افتاده که بسیاری از دختران و پسران جوان در دام افرادی افتاده‌اند که به دنبال سوءاستفاده از آنان بوده‌اند.

علاوه بر این، تجربه نشان داده که این گونه ارتباطات در بسیاری از مواقع باعث آسیب دیدن عواطف، کاهش تدریجی شرم و حیا و در نهایت افسردگی می‌شود. می‌دانید چرا؟



- ۱- چرا انتخاب دوست در دوران نوجوانی از اهمیت بسیاری برخوردار است؟
- ۲- چرا در روایات به دوری از دوستی با افراد نادان سفارش شده است؟
- ۳- دو مورد از کارهایی را بیان کنید که برای میانه‌روی در دوستی‌هایمان باید انجام دهیم.
- ۴- با توجه به آیات ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان، حال و روز کسانی را که در دنیا، دوستان خوبی انتخاب نکرده‌اند، بیان کنید.
- ۵- هم‌نشین بد در روایات به چه چیزهایی تشبیه شده است؟

پیشنهاد

در اشعار و ضرب‌المثل‌های ما مطالب فراوانی دربارهٔ دوست هست. چند نمونه از آنها را پیدا کنید و در کلاس بخوانید.

الهی

ای آرزوی دل مشتاقان
و ای والاترین درخواست دوست داران؛
از تو محبت را می خواهم
و محبت آنان که تو را دوست دارند
و از تو محبت هر علی را می خواهم که مرا به تو نزدیک کند.
خداوندا!

خودت را از هر چه غیر توست، نزد من محبوب تر کن
و محبتی را که به تو دارم، مایه رسیدنم به خوشنودیت قرار ده

الهی

به چشم لطف و محبت به من بنگر
و از من روی مگردان

و مرا از اهل سعادت قرار ده؛ ای مهربان ترین مهربانان!

جامعه اسلامی

فصل

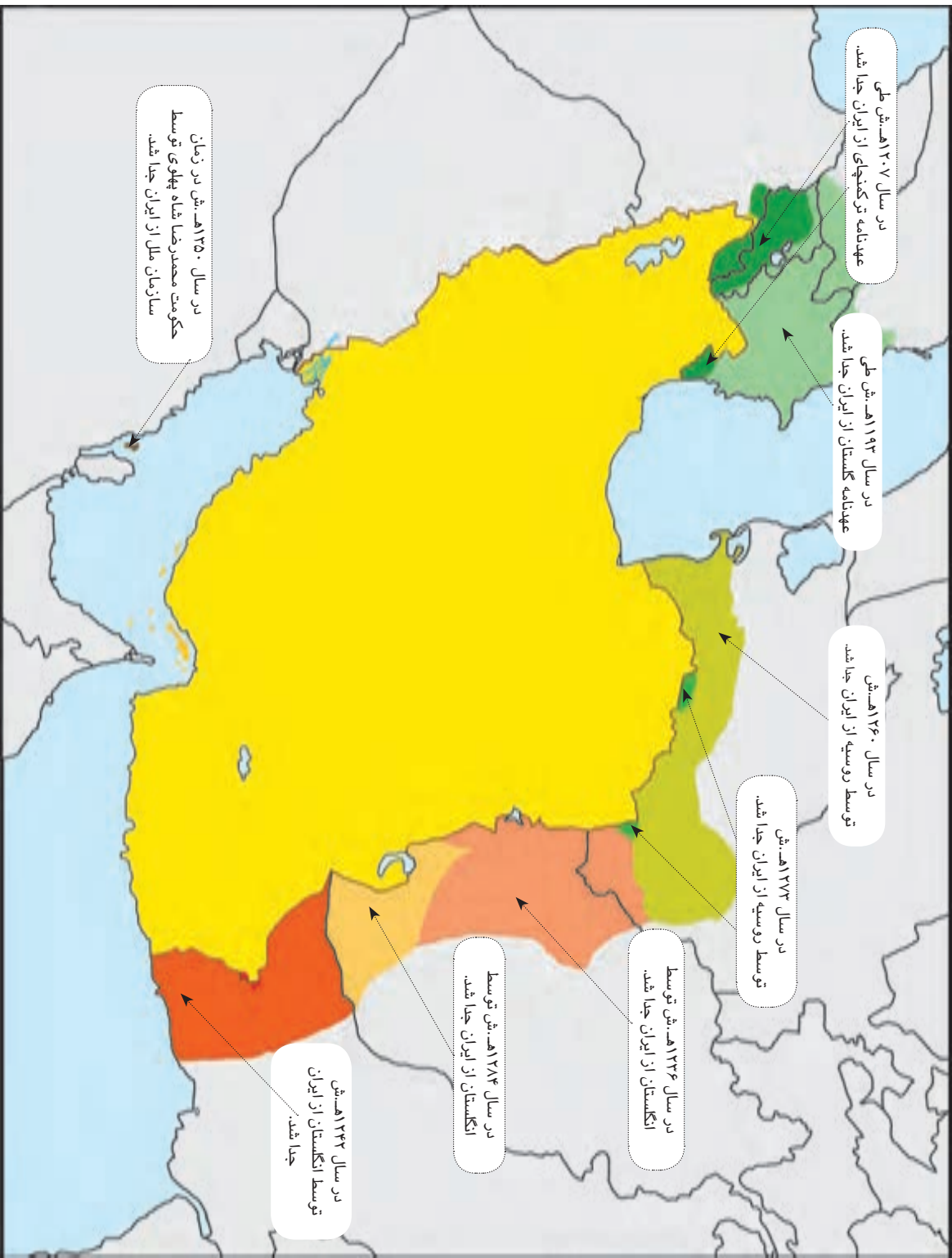
سال گذشته در فصل جامعه اسلامی کتاب هشتم، در درس «ما مسلمانان»، دانستیم که وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر چیست. همچنین در درس «حق الناس» دانستیم که رعایت حقوق دیگران تا چه میزان در رسیدن به رستگاری و بهشت الهی تأثیر دارد. امسال در همین فصل با این مباحث آشنا می‌شویم:

درس نهم (انقلاب اسلامی ایران): انقلاب اسلامی ایران موجب عزت و سربلندی ملت ایران در میان تمامی مسلمانان جهان شده است. در این درس با ثمرات و برکات انقلاب اسلامی آشنا می‌شویم. همچنین می‌آموزیم که دشمنان انقلاب اسلامی چه نقشه‌های خطرناکی برای انحراف یا نابودی انقلاب اسلامی طراحی و اجرا می‌کنند و چگونه می‌توان در برابر این نقشه‌ها ایستادگی و با آنها مقابله کرد.

درس دهم (مسئولیت همگانی): در این درس می‌آموزیم که ما نسبت به کارها و رفتارهای دیگران در جامعه مسئولیم و باید تلاش کنیم در جامعه کار زشت و منکری انجام نشود و کارهای خیر و معروف نیز رواج یابد. در این درس، با اهمیت یکی از احکام اساسی دین؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر آشنا می‌شویم.

درس یازدهم (انفاق): انفاق یکی از مسئولیت‌های اقتصادی مسلمانان در جامعه است؛ انفاق یا اعطای بخشی از اموال در راه خداوند در قالب‌های زکات، خمس، صدقه و وقف صورت می‌گیرد که در این درس با آنها آشنا می‌شویم.

درس دوازدهم (جهاد): جهاد در راه خداوند یکی از توفیقات بزرگی است که برای برخی از انسان‌ها فراهم می‌شود. در این درس با جایگاه جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اسلام و انواع جهاد آشنا می‌شویم.





درس فهم

انقلاب اسلامی ایران

به نقشه صفحه قبل با دقت نگاه کنید!

می‌بینید که طی دویست سال گذشته همواره مناطقی از ایران جدا شده‌اند. این مناطق یا به کشورهای جدیدی تبدیل شده یا اینکه به کشورهای دیگر ضمیمه شده‌اند. این اقدامات توسط کشورهای استعمارگر صورت گرفته است.

حال وضعیت ایران را در دو قرن گذشته با جنگ تحمیلی علیه ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس مقایسه کنید؛ به نظر شما دشمنان این بار هم به هدف خود رسیدند؟ چرا؟

مقایسهٔ دیروز با امروز

وضعیت کشور عزیزمان ایران اسلامی را در دو دوران مقایسه کنید :

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

■ ده‌ها هزار مستشار خارجی – که چهل هزار نفر آنان آمریکایی بودند – کارهای فنی و نظامی ایران را در دست داشتند.

■ وضعیت بهداشت در شهرها و روستاها اسفناک بود و ده‌ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران مشغول به کار بودند.

■ کمتر از نیم درصد مردم می‌توانستند به دانشگاه بروند!

■ از ۵۴/۰۰۰ روستا فقط ۲/۰۰۰ روستا برق داشت.

■ بیشتر نمایندگان مجلس توسط شاه انتخاب می‌شدند.

■ شاه بسیاری از تصمیمات حکومتی خود را بایستی با اجازه و تأیید سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس می‌گرفت.

■ معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت.

■ حکومت نه تنها توجهی به امور دینی نداشت؛ بلکه با دایر کردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

■ رشد نرخ باسوادی به حدود ۹۰ درصد؛ بیش از ده میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه و حدود پنج میلیون نفر نیز مشغول به تحصیل

■ قدرت اول نظامی منطقه و دارای امن‌ترین آسمان منطقه

■ جزء چهار کشور موفق در شبیه‌سازی حیوانی

■ دومین کشور برتر دنیا در تحقیقات مغز و نخاع و جزء ده کشور دنیا از نظر پیوند اعضای بدن

■ جزء هشت کشور صاحب چرخهٔ کامل فضایی

■ سومین کشور سدساز دنیا و سومین کشور از نظر رشد شبکهٔ برق

■ جزء ده کشور برتر دنیا در علوم نانو فناوری

■ جزء بیست کشور سازندهٔ ناوشکن در دنیا و تنها سازندهٔ سریع‌ترین اژدر دنیا (۱۰۰ متر در ثانیه)

■ جزء چهار کشور سازندهٔ پهپاد موشک انداز در دنیا، شکار پهپاد RQ۱۷۰ فوق پیشرفته آمریکا و ساخت مدل ایرانی آن

■ تنها کشور مستقلی که خود به تکنولوژی هسته‌ای دست یافت.^۱

■ و ...

اینها گوشه‌ای از پیشرفت‌های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم با فاصلهٔ زیاد (ده برابر رشد دیگران) دست یابد. این ثمرات در حالی به دست آمد که کشور عزیزمان ایران، از همان ابتدای انقلاب گرفتار تحریم‌های سخت کشورهای غربی و همچنین درگیر هشت سال جنگی تحمیلی و ناجوانمردانه از سوی قدرت‌های استکباری شده بود، جنگی که بیشتر سرمایه‌های کشور را در معرض نابودی و آسیب قرار داد. این پیشرفت‌های عظیم موجب شده است که ملت‌های محروم با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، برای رهایی از وابستگی و کسب استقلال، تلاش کنند. حرکت‌های حق‌طلبانهٔ مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز سرمشق گرفته از مقاومت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.

بالتر از همهٔ پیشرفت‌هایی که در بالا به بخشی از آنها اشاره شد، زنده شدن روحیهٔ خودباوری و احساس عزت و بزرگی در ملت ایران است. ملت ایران اکنون به این باور رسیده است که می‌تواند در هر زمینه‌ای رشد و پیشرفت کند. این باور همان وعدهٔ خداوند به مؤمنان است که می‌فرماید:

و لا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
و سست نشوید و غمگین نباشید،

وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۲ [زیرا که] شما برترید اگر ایمان داشته باشید.*

البته با وجود همهٔ این پیشرفت‌ها، هنوز در برخی عرصه‌ها نقاط ضعفی داریم که باید با تلاش و مجاهدت و با اتکا به نیروی ایمان بر این ضعف‌ها غلبه کنیم و بدانیم که آنچه امروز به دست ما رسیده، حاصل تلاش‌ها و از جان گذشتگی‌های پدران و مادران ماست و حال نوبت ماست تا با همان اراده و ایمان ادامهٔ این راه را طی کنیم تا بر کاستی‌ها غلبه یابیم.

۱- سفیران ثریا؛ گزارش مصوّر از هفتاد دستاورد برتر جهانی جمهوری اسلامی ایران، محمد علی الفت‌پور.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۳۹.

* آیه با ترجمه حفظ شود.



به نظر شما ابرقدرت‌هایی که سال‌ها به استعمار ملت‌های محروم پرداخته‌اند، آیا حاضرند به راحتی از ثروت‌های این کشورها چشم‌پوشی کنند؟ آنها چه برنامه‌هایی برای ادامه غارتگری در کشور ما دارند؟



U۲

«لاکهد U۲» یک هواپیمای جاسوسی با ارتفاع پرواز بسیار بالاست. این هواپیما از زمان



جنگ سرد بارها وارد آسمان چین و شوروی و... شد که به خاطر ارتفاع بلند پروازی قابل شناسایی نبود. البته بعد از اینکه توسط پدافند S۲۰۰ شوروی منهدم شد، آمریکا تغییرات زیادی در آن ایجاد کرد و از لحاظ جنس بدنه، رادارگریزی، تغییر موتور، و اضافه کردن سامانه‌های جاسوسی و راداری دوربرد، بارها ارتقا یافت، به گونه‌ای که قرار بود در سال ۲۰۱۲ بازتسسته شود؛ اما به خاطر ارتقاهای جدید هنوز عملیاتی است.



U2 در تمام جنگ‌های آمریکا از جمله جنگ‌های کوزوو، صربستان، افغانستان، عراق، لیبی و ... حضور مؤثر و موفقی داشته است. ارتفاع پرواز این هواپیما به حدی بالاست (هفتاد هزار پا) که خلبان آن باید از لباس‌های فضانوردی استفاده کند.

در حوالی ظهر ۲۲ بهمن ماه سال ۹۱ یک فروند هواپیمای شناسایی U2 آماده پرواز می‌شود؛ اما این بار قرار است به آسمان ایران نفوذ کند. خلبان لباس‌های فضایی خود را می‌پوشد و به اوج آسمان می‌رود. در آسمان دریای عمان و نزدیک به مرزهای ایران ناگهان خلبان از باند رادیویی خود هشدار می‌دهد که از رادارهای پدافندی ایران دریافت می‌کند که به مرزهای ایران نزدیک شده‌اید! خلبان U2 که از تعجب هنوز باور ندارد ایران بتواند او را کشف کند، از پدافند ایران می‌خواهد تا موقعیت و جهت او را اعلام کند. پدافند ایران موقعیت، جهت و سرعت U2 را به او اعلام می‌کند!

خلبان که متوجه می‌شود رهگیری شده است، مسیر خود را عوض می‌کند و از مرزهای ایران دور می‌شود.^۱

این کشف موجب شد، آمریکا به قدرت رادارهای ایرانی بی‌ببرد؛ فناوری بسیار پیشرفته‌ای که در انحصار چند کشور خاص قرار دارد.

نقشه‌های شیطانی

مشركان مكه با ظهور اسلام، موقعیت خود را در خطر دیدند. ابتدا تلاش کردند با پیشنهادهای فریبنده به پیامبر اکرم ﷺ، ایشان را از ادامه دعوت به اسلام، منصرف کنند؛ اما هنگامی که دیدند نمی‌توانند رسول خدا را فریب دهند، مسلمانان را در محاصره شدید اقتصادی در شعب ابی طالب قرار دادند تا دست از اسلام بردارند و تحت سلطه مشركان قرار گیرند.

ماجرای فوق پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای ما نیز تکرار شد و آمریکا و هم‌پیمانانش طرح تحریم (محاصره) اقتصادی ایران را به تصویب سازمان ملل رساندند. این تحریم‌ها به مرور زمان بیشتر شد و هنوز هم ادامه دارد. تحریم‌های قدرت‌های استکباری علیه ملت ایران، به گفته خود غربی‌ها در طول تاریخ بشری سابقه است و تاکنون این مقدار تحریم، علیه هیچ کشوری در دنیا اعمال نشده است. گام دوم غارتگران برای به زانو درآوردن ملت ایران، جنگ بود؛ درست شبیه همان کاری که



مشرکان صدر اسلام با مسلمانان کردند. رژیم بعثی صدام در شهریورماه ۱۳۵۹ به دستور آمریکا، جنگی را در برابر ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپ‌اولگر از رژیم صدام، حمایت می‌کردند؛ اما باز هم ملت ایران با اتکای به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه، و با دادن نزدیک به دویست هزار شهید، توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.^۱

هم‌زمان با جنگ و تحریم، قدرت‌های استکباری با اجیرکردن منافقان در عملیات‌های متعدد بمب‌گذاری و ترور، حدود هفده هزار نفر از مسئولان و مردم را در داخل کشور به شهادت رساندند. محاصره اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی و... همه نقشه‌هایی بودند که استعمارگران بارها و بارها، آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند؛ اما باز هم نتوانستند مردم مسلمان ایران را به زانو درآورند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند. سلاحی که از بمب اتمی نیز خطرناک‌تر است.

می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟

بیشتر بدانیم

شکست عبرت‌انگیز

از فتح آندلس^۲ توسط مسلمانان بیش از صد سال می‌گذشت و این کشور آباد و پیشرفته، مرکزی برای تجارت، دانش و صنعت شده بود. وجود کشوری مسلمان و پیشرفته در اروپا، مایه نگرانی کشورهای مسیحی همسایه شده بود. جوانان مسیحی که پیشرفت‌های مسلمانان را می‌دیدند، رفته‌رفته به آنها علاقه‌مند و در نهایت مسلمان می‌شدند. تحمل این وضع برای رهبران اروپایی دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند با مسلمانان نمی‌توانند بجنگند، پس باید چاره‌ای می‌اندیشیدند. آنها نقشه‌ای کشیدند و نماینده‌ای به سوی حاکم آندلس فرستادند.

۱- در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمده بودند، سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند، شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.

۲- آندلس شامل کشور اسپانیا و بخش وسیعی از کشور پرتغال امروزی بوده است که در سال ۷۱۴ میلادی به دست مسلمانان افتاد.

پیشنهاد دادند ما حاضریم برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما پولی بخواهیم، آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر ببرند و خرید و فروش کنند.

مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان در مدارس آنان – بدون اینکه خود بدانند – تعلیمات مسیحی می‌دیدند. مراکز تفریحی آنان نیز توسط دختران و زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه‌گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند و هدفشان آلوده کردن جوانان مسلمان به گناه و بی‌بندوباری بود. بازرگانان مسیحی نیز هر روز شراب‌های فراوانی را روانه مراکز تفریحی می‌کردند و جوانان – بی‌خبر از دامی که برایشان پهن شده بود – جذب این مراکز می‌شدند. همکاری‌های تجاری با مسیحیان موجب وابستگی فراوان به آنها و در نتیجه دوری از کشورهای اسلامی شد.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غیور و از جان‌گذشته و فاتح. تنها چیزی که از آندلس باقی مانده بود، حاکمانی وابسته، جامعه‌ای بی‌تفاوت و جوانانی سست اراده که غرق در گناه و خوشگذرانی بودند. در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این باتلاق فرو نرفته بودند؛ اما از دست آنان کاری بر نمی‌آمد. این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام، سال‌های طولانی انتظار آن را می‌کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را به زور شمشیر مسیحی کردند و هر کس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد، از دم تیغ گذراندند.^۱

۱- برگرفته از: تاریخ حکومت مسلمین بر اروپا، محمدابراهیم آیتی؛ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون؛ تاریخ فتوحات اسلام در

اروپا، شکیب ارسلان.

شبیخون فرهنگی

امروزه قدرت‌های استکباری به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار زیاد، باعث نفرت ملت‌ها نیز می‌شود و این مسئله، ادامه کارشان در کشورهای دیگر را مشکل می‌کند. به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها، راهکار جدیدی به نام جنگ نرم^۱ یا شبیخون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند.

دشمنان با استفاده از تجربیاتی که از سرگذشت آندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها، ملت مسلمان ایران را به زانو درآورند.

تا به حال به این نکته فکر کرده‌اید که کشورهایی که حتی به بیماران ما نیز رحم نمی‌کنند و در کنار تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و علمی، مانع ورود اقلام پزشکی و دارویی به کشور می‌شوند^۲، و حتی به تحریم گندم – اصلی‌ترین نیاز غذایی کشور – روی می‌آورند، چرا تا این اندازه به فکر تفریح و سرگرمی ما ایرانی‌ها هستند و برای پرکردن اوقات فراغت ما سالیانه میلیون‌ها دلار خرج ساخت و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان یا سایت‌های اینترنتی می‌کنند و برای ما به صورت رایگان انواع فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای پخش می‌کنند؟

به نظر شما چرا دشمنی که ما را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی تحریم کرده است، حاضر به تحریم فیلم‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای خود نشده است و آنها را رایگان در اختیار ما قرار می‌دهد؟ آری، تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضداسلامی، تهیه و پخش فیلم‌ها و تصاویر زشت و مبتذل، ساخت بازی‌های رایانه‌ای مَخرَب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان، تلاش همه‌جانبه برای ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی و کم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده کردن جوانان، تمسخر عقاید پاک مسلمانان، القای بی‌فرهنگ بودن مسلمانان و ایرانی‌ها، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان، کم‌اهمیت جلوه دادن پیشرفت‌های کشور، بزرگ جلوه دادن قدرت و پیشرفت غربی‌ها و... همه بخشی از جنگ نرم علیه ملت و فرهنگ ماست.^۳

آنها به خوبی می‌دانند که اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام درباره حفظ حجاب و پاکدامنی

۱- جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیله آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده از نیروهای نظامی، سرنگون کرد.

۲- آمریکا در سال ۱۳۹۱ ورود هرگونه دارو به کشورمان را تحریم کرد؛ داروهایی که جان صدها انسان بی‌گناه به آن وابسته بود.

۳- مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی، ده‌ها میلیون دلار را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضد ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبالغی است که به صورت رسمی اعلام می‌شود.



عمل کنند، شکست دادن آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانهٔ اسلام دور نگه دارند. خداوند نسبت به این خطرات که همواره از سوی دشمنان اسلام نسبت به مسلمانان وجود دارد هشدار داده است آنگاه که می‌فرماید :

وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِ الْحَرِّ

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی، چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دور کردن آنها از اسلام نیست. اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان علیه السلام، برای ما روشن‌تر می‌شود که می‌فرماید : «پاداش انسان عقیف و پاکدامنی که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست؛ انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود».*

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۷.

* متن روایت حفظ شود.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.



یک بار دیگر، نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی، مرور کنید و درباره‌ی راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو کنید.

- ۱- ثمرات انقلاب اسلامی ایران را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۲- چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهید.
- ۳- خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

در یک کار تحقیقی و با کمک هم گروهی‌های خود، وضعیت کشور را قبل و بعد از انقلاب در عرصه‌های مختلف علمی، نظامی، پزشکی، صنعتی، مشارکت مردم در سرنوشت کشور، آزادی بیان، اقتدار سیاسی، اقتصادی و ... مقایسه کنید و نتیجه را برای اعضای کلاس بیان کنید.

الهی

خدایا انقلاب ما را که با مجاهدت و از جان گذشته‌گی هزاران مرد و

زن به ما رسیده است

از مکر و توطئه دشمنان حفظ کن

خدایا شهیدانی که برای حفظ این انقلاب خون خود را نثار کردند

مورد رحمت خویش قرار ده

و مرا پیرو آنان قرار ده

و یاری ام کن تا من نیز بر شد و پیشرفت کشورم کمک کنم

و برای کشورم افتخار بیافرینم

ای مهربان‌ترین مهربان‌ها!



درس دهم

مسئولیت همگانی

تصور کنید :

- کسی اجناس بی کیفیت را به عنوان کالای مناسب و باکیفیت به مشتریان می فروشد.
- خانواده ای در جنگل آتش روشن می کند یا زباله های خود را همان جا رها می کند.
- یکی از دوستانمان نسبت به خواندن نماز بی توجهی می کند.
- دانش آموزی به اموال مدرسه و کلاس آسیب می زند.
- خودرویی به علت نقص فنی، بیش از اندازه دود می کند و هوا را آلوده می کند.

ممکن است کسی با دیدن این کارها بگوید :

- به من چه ارتباطی دارد؟ مگر من مسئول کارهای مردم هستم؟
- گفتن من چه فایده ای دارد؟ او که به این کار عادت کرده است.
- بالاخره یک نفر پیدا می شود و به او تذکر می دهد.
- من خجالت می کشم چیزی بگویم. اگر من را جلوی دیگران ضایع بکند، چه؟!
- من می ترسم. شاید با من با تندی برخورد بکند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما آیا هر یک از دلایل بالا می تواند برای تذکر ندادن به دیگران قابل پذیرش باشد؟ چرا؟

امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته که مردم با کشتی‌های بادبانی به مسافرت می‌رفتند، با حوادث گوناگون و گاه دلهره‌آوری روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی پهناور، سرنوشت ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان هنگام خطر به خوبی درک می‌کردند که چقدر عاقبت و سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است؛ یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

حال اگر در چنین کشتی‌ای یکی از سرنشینان، جایی را که نشسته، به بهانه‌ای اینک جای خودش است، سوراخ کند، دیگر سرنشینان چه واکنشی از خود نشان خواهند داد؟ آیا دیگر کسی خواهد گفت که هرکس اختیار جای خود را دارد یا به من چه مربوط است؟ آیا کسی به بهانه‌ی خجالت کشیدن یا ترسیدن، بی‌تفاوت از کنار آن فرد خواهد گذشت؟





جامعه نیز مانند کشتی است و مردم آن همچون سرنشینان کشتی اند که سرنوشت آنها به هم گره خورده است. برای همین اگر در جامعه، شخصی بخواهد قوانین الهی یا اجتماعی را زیر پا گذارد، نمی‌توان به سادگی از کنار خطا و گناه وی گذشت.

به همین دلیل یکی از مسئولیت‌های افراد جامعه نسبت به هم، توصیه یکدیگر به کار خیر و پسندیده و بازداشتن هم از کار ناپسند است. این کار همان «امر به معروف و نهی از منکر» است. البته مؤمنان در این باره مسئولیت بیشتری دارند؛ زیرا آنها ولی یکدیگرند؛ یعنی همدیگر را دوست دارند و نسبت به سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. آنها همان‌گونه که از سعادت و خوشبختی خود لذت می‌برند، خوشبختی دیگر انسان‌ها نیز برایشان شیرین و شادی‌آور است. آنها می‌دانند که رسیدن به سعادت دنیا و آخرت تنها با عمل به دستورات دین؛ یعنی انجام اعمال نیک و ترک گناهان امکان‌پذیر است. از همین جهت، هم خود به این دستورات عمل می‌کنند و هم دیگران را به انجام اعمال صالح سفارش می‌کنند و آنان را از ترک واجبات و انجام محرمات باز می‌دارند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

مردان و زنان مؤمن،

دوستدار و یاور یکدیگرند

[و از این رو یکدیگر را] امر به معروف

و نهی از منکر می‌کنند.



آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اگر هرکس با توجیه و بهانه‌های مختلف از انجام مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

مردم نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت می‌شوند؛ کارهای نادرست و ناپسند در جامعه رواج می‌یابد و زشتی انجام بسیاری از این کارها از بین می‌رود، تا آنجا که حتی برخی زشتی‌ها به عنوان کار معروف و خوب شناخته می‌شود. تعالیم و دستورات دین در میان مردم فراموش می‌شود و انسان‌های فاسد بر مردم مسلط می‌شوند و کم‌کم آن‌قدر گناه و فساد در جامعه فراوان می‌شود که رحمت و برکت خداوند از آن جامعه برداشته و جامعه مستحق عذاب الهی می‌شود.

امام کاظم علیه السلام می فرماید :

«حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه شرورترین افراد جامعه بر شما مسلط خواهند شد و در این صورت بهترین‌های شما هم اگر دعا کنند، دیگر مستجاب نخواهد شد!»*

به دلیل جلوگیری از بروز این آسیب‌ها و مشکلات است که امر به معروف و نهی از منکر دارای جایگاه بسیار بالا و سرنوشت‌سازی است؛ تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

«همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره در برابر دریایی بهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به دلیل انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به دلیل نهی نکردن از زشتی‌ها».



شخصی را تصور کنید که در جمع دیگران غیبت می‌کند. در جدول زیر نتایج نهی از منکر کردن و پیامد ترک آن را بنویسید.

اگر نهی از منکر نشود	اگر نهی از منکر بشود
.....	او دیگر این گناه را حداقل در آن جمع انجام نمی‌دهد.
آبروی کسی که از او غیبت شده است، در میان جمع از بین می‌رود.
.....
.....

با حرص فراوان مشغول صید ماهی‌هایی هستند که روز شنبه آنها را گیر انداخته‌اند. امروز یکشنبه است. ماهی‌هایی را که روز شنبه در آبگیرها گیر انداخته‌اند، صید می‌کنند و خوشحال‌اند از اینکه ...



دسته‌ای از قوم یهود در کنار دریا زندگی می‌کردند. آنان از یاد خداوند بسیار غافل شده بودند. خداوند برای امتحان آنان دستور داد روز شنبه، که روز تعطیلی یهودیان است، ماهی نگیرند. از طرفی روز شنبه ماهی فراوان می‌شد و این امتحان را سخت‌تر می‌کرد.

در این میان عده‌ای بودند که خود را انسان‌های زرنگی می‌دانستند. آنان در روز شنبه که ماهی فراوان می‌شد، ماهی‌ها را به آبگیرها هدایت می‌کردند و هنگامی که این آبگیرها پر از ماهی می‌شد، راه بازگشت ماهی‌ها را می‌بستند و روز یکشنبه تمام ماهی‌های گیرافتاده را صید می‌کردند.

گروهی، آنان را از این کار نهی می‌کردند و آن را نافرمانی خداوند می‌دانستند. ولی عده دیگری می‌گفتند شما چرا آنها را نهی می‌کنید؛ نهی کردن آنان فایده‌ای ندارد و خداوند آنان را عذاب خواهد کرد؛ مؤمنان در جواب آنان می‌گفتند: «ما آنان را از این کار زشت نهی می‌کنیم تا نزد پروردگارتان معذور باشیم و شاید با این کار ما، آنها از این کار دست بردارند».

تا اینکه سرانجام ...

خداوند عذابی فرستاد که در آن کسانی که ماهی می‌گرفتند و کسانی که آنان را نهی نمی‌کردند، باهم گرفتار عذاب شدند و فقط کسانی از این عذاب نجات یافتند که آنان را از نافرمانی خداوند نهی می‌کردند. داستان این قوم در قرآن کریم آمده است:

و چون اندرزی را که به آنها داده شده بود

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ

[روز شنبه ماهی نگیرند] فراموش کردند

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

کسانی را که از بدی [ماهی‌گیری روز

شنبه] نهی می‌کردند نجات دادیم

و کسانی را که ستم کرده بودند [روز شنبه

وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ

ماهی گرفته بودند و یا ماهی‌گیران را از این

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۱

کار نهی نکرده بودند] به خاطر نافرمانیشان به

عذاب شدیدی گرفتار ساختیم.

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

هدف شما در هر دو حالت، پاک کردن لباس است؛ اما روش‌ها متفاوت‌اند!
هدف ما در نهی از منکر این است که انسان خطاکار به اشتباهاتش ادامه ندهد. گاهی همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.

گاهی نیز شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست؛ در این صورت ما باید با مهربانی و با برخورد خوب، او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.
در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.



آیا با این شیوه‌ها می‌توان همواره از انجام گناهان جلوگیری کرد؟
مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد و بسیاری را گرفتار اعتیاد می‌کند، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست و باید چگونه عمل کنیم؟

چند نکته مهم

- ۱- برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.
- ۲- برای اینکه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیشتر شود، خوب است خودمان به آنچه دیگران را به آن توصیه می‌کنیم، عمل کنیم و کاری را که از آن نهی می‌کنیم، انجام ندهیم.
- ۳- هر امر به معروف و نهی از منکری، یک موفقیت است؛ زیرا اگر به نتیجه برسد، علاوه بر رسیدن به رضایت و پاداش الهی به اصلاح اطرافیان و جامعه خود کمک کرده‌ایم و اگر به نتیجه نرسد، به وظیفه خود عمل کرده‌ایم و از اجر و ثواب خداوند بهره برده‌ایم.

یک بار دیگر به منکرهای صورت گرفته و معروف‌های ترک شده در ابتدای درس توجه کنید. به نظر شما راه امر به معروف و نهی از منکر در هریک از این موارد چیست؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

- ۱- چهار مورد از آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
- ۲- با توجه به سخن حضرت علی ع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در میان اعمال نیک بیان کنید.
- ۳- چرا مؤمنان مسئولیت بیشتری درباره امر به معروف و نهی از منکر دیگران دارند؟

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

- ۱- درباره ارتباط قیام امام حسین ع با امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.
- ۲- درباره زندگی یکی از شهدای امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

الهی

ما هم اگر دوست داری، چند جمله ای با خدای خویش سخن بگو:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



دست یازدهم

اتفاق

به این آمارها توجه کنید :

- گرسنگی یکی از عوامل مهم مرگ و میر در جهان به شمار می‌رود؛ به طوری که در هر دقیقه ۳۰ نفر به علت گرسنگی، جان خود را از دست می‌دهند.
- شصت و شش میلیون کودک در مقطع ابتدایی در سراسر جهان، گرسنه به مدرسه می‌روند.
- فقر هر ساله باعث مرگ دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال می‌شود.
- ۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند.
- بیش از یک میلیارد نفر از مردم روی زمین، درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.

از سوی دیگر

- دارایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان برابر دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان است.
- با غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، سه برابر گرسنگان فعلی جهان را می‌توان سیر کرد.
- یک سوم مواد غذایی‌ای که سالانه در جهان تولید می‌شود (حدود ۱/۳ میلیارد تن) تبدیل به زباله می‌شود و هدر می‌رود.
- سالانه ۲/۴ میلیون نفر در سراسر جهان در اثر بیماری‌های ناشی از پرخوری می‌میرند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما علت این اختلاف چیست؟ چرا این وضع در جهان به وجود آمده است؟

دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند برای نجات بشر از تمامی گرفتاری‌ها و دست یافتن به رستگاری در دنیا و آخرت فرستاده است؛ به همین دلیل این دین باید راهی برای نجات مردم از فقر داشته باشد. یکی از راه‌کارهای دین اسلام برای حل این مشکل، انفاق است. در دین اسلام به مردم توصیه شده است، بخشی از اموال خود را در راه خداوند انفاق کنند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید :

«خداوند به اندازه‌ی نیازمندی‌های مردم فقیر در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است، اگر بپردازند نیازمندی‌های عمومی مردم برطرف می‌شود. اگر گرسنه یا برهنه‌ای در میان مردم پیدا شود، به این دلیل است که ثروتمندان، «حقوق واجب» اموال خود را نپرداخته‌اند»^۱.



انفاق

در سال گذشته دانستیم که رابطه‌ی میان مسلمانان، رابطه‌ی برادری است و همان‌طور که هر برادری نسبت به خواهران و برادران خود در خانواده و وظایفی دارد، برادران دینی نیز در برابر یکدیگر وظایفی دارند. یکی از این وظایف کمک مالی به نیازمندان است. خداوند در قرآن کریم همواره انسان‌ها را به بخشش قسمتی از اموالشان به نیازمندان تشویق کرده و این اعطای مال را «انفاق» نام نهاده است :

<p>کسانی که اموال خود را انفاق می‌کنند در شب و روز به صورت پنهانی و آشکارا پاداششان نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.*</p>	<p>الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲</p>
--	--

انفاق مال آن‌قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یکی از نشانه‌های ایمان می‌داند.^۳ خداوند، حکمت انفاق را «توزیع ثروت میان فقرا و جلوگیری از انحصار آن در دست

۳- سورة بقره، آیه ۳.

۲- سورة بقره، آیه ۲۷۴.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

ثروتمندان» بیان کرده است.^۱ در صورتی که انفاق مال در جامعه گسترش پیدا کند، ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصله طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود؛ بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود؛ مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.



در روایت‌هایی که زمان ظهور امام زمان علیه السلام را وصف کرده‌اند، آمده است: در آن دوران، عقل انسان‌ها به نهایت رشد و کمال خود می‌رسد و از سوی دیگر در جامعه فقری پیدا نمی‌شود.

به نظر شما میان این دو (پیدا نشدن فقیر در جامعه و کامل شدن عقل) چه ارتباطی وجود دارد؟

بیشتر بدانیم

برای بار سوم نیمی از تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد. هیچ چیزی از قلم نیفتاده بود. هر آنچه بود، میان فقرا تقسیم شد. چشم فقرای مدینه به در خانه او بود. آنان جمع شده بودند تا با کمک‌های او بتوانند به زندگی خود سروسامانی بدهند.

او مشهور به کریم‌ترین انسان مدینه است. آوازه او همه جا پیچیده است. هر کسی وارد مدینه می‌شود، سراغ خانه حسن بن علی را می‌گیرد، چون می‌داند او تنها کسی است که همواره در خانه‌اش به روی نیازمندان باز و سفره خانه‌اش همواره برای میهمانان گسترده است و از همه آنان با بهترین غذاهای موجود در خانه پذیرایی می‌کند.^۲



۱- سورة حشر، آیه ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۲۴۳؛ سیر اعلام النبلاء ذهبی، ج ۳، ص ۲۶۷.

انواع انفاق

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق‌های واجب عبارت‌اند از: زکات و خمس. انفاق‌های مستحب عبارت‌اند از: قرض الحسنه، وقف و... در این درس با نمونه‌هایی از این دو نوع انفاق آشنا می‌شویم:

انفاق‌های واجب:

۱- زکات: زکات در اصل به معنای پاک شدن از دلبستگی‌ها و آلودگی‌هاست و به نوعی از انفاق گفته می‌شود که به برخی از دارایی‌های انسان تعلق می‌گیرد. این دارایی‌ها سه دسته است: **غلات:** گندم، جو، خرما و کشمش، **دام‌ها:** شتر، گاو و گوسفند، **سکه‌ها:** طلا و نقره. اگر کسی از این دارایی‌ها، به اندازه‌ای که در دین تعیین شده است، داشته باشد، بر او واجب است بخش مشخصی از آن را در راه خدا انفاق کند.^۱

پرداخت زکات موجب مصونیت مال از نابودی و پربرکت شدن آن می‌شود. اگر زکات اموال داده نشود، خداوند نعمت‌هایش (بارندگی، حاصل خیزی، فراوانی و...) را از صاحبان آنها بازمی‌دارد. **زکات فطره (فطریه):** زکات فطره، زیرمجموعه زکات است. کسی که هنگام غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل و هشیار باشد و فقیر هم نباشد، باید برای خود و کسانی که او هزینه زندگی آنان را می‌دهد، به ازای هر نفر سه کیلوگرم گندم یا جو یا برنج یا هر غذایی را که در طول ماه مبارک رمضان بیشتر از آن استفاده کرده است، به مستحق بدهد. البته اگر پول آنها را هم بدهد، کفایت می‌کند.



به آمار تقریبی تولید سالانه چهار محصول مهم کشاورزی در ایران، توجه کنید:

۱- سیزده میلیارد کیلوگرم گندم

۲- سه میلیارد کیلوگرم جو

۳- یک میلیارد کیلوگرم خرما

۴- سیصد میلیون کیلوگرم کشمش

به نظر شما اگر فقط زکات این محصولات (که تقریباً حدود هزار میلیارد تومان است)، پرداخت شود، چه تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد می‌شود؟

۱- میزان این دارایی‌ها و مقدار دقیق زکات هر کدام از این موارد در رساله توضیح‌المسائل مشخص شده است (دبیران محترم می‌توانند توضیحات تکمیلی در این خصوص را در کتاب راهنمای معلم مشاهده کنند).

۲- **خُمس**: هر مسلمانی که از طریق کار، درآمدی کسب می‌کند، پس از صرف هزینه‌های سالانه زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را که باقی مانده است، به عنوان خمس بپردازد. خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید پرداخت می‌شود تا آن را در راه‌هایی که قرآن کریم، رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام مشخص کرده‌اند، صرف کنند. آشنا کردن مردم با معارف دینی، دفاع از کشورهای اسلامی، تربیت دانشمندان علوم دینی، تألیف و توزیع کتاب‌های دینی و ... از مواردی است که خمس می‌تواند صرف آن شود.

نکات قابل توجه در خمس

■ هرکسی که از طریق تجارت، صنعت، کشاورزی یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورد، باید برای خود «سال مالی»^۱ داشته باشد و در انتهای «سال مالی»، اگر به اموال او خمس تعلق می‌گیرد، خمس اموالش را بدهد.

■ با پولی که خمس آن پرداخت نشده است، نمی‌توان چیزی خرید؛ به عنوان مثال اگر با آن پول خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.

■ به آذوقه‌هایی مانند برنج، روغن و هر خوراکی دیگری که از درآمد سال، برای مصرف در خانه خریده شده است و در پایان سال مالی باقی مانده است، خمس تعلق می‌گیرد.

■ زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی رایج آنها باشد و حالت پس‌انداز داشته باشد، باید خمس آن پرداخته شود.

بیشتر بدانیم

سیره شهدا

شهید مهدی باکری یکی از سرداران بزرگ کشورمان در دوران دفاع مقدس بود. یکی از ویژگی‌های او عمل به احکام دین با دقت کامل بود. او سعی می‌کرد همیشه نماز خود را در اوّل وقت و به جماعت اقامه کند. او در پرداخت خمس نیز بسیار دقیق و حساس بود. یکی از دوستان وی نقل می‌کند که در اواخر اسفند ماه یکی از سال‌های اول جنگ بود که دیدیم آقا مهدی در سنگر مشغول شمردن پول‌های همراه خود است. سپس با خانواده خود نیز تماس گرفت و جوایای ارزش اجناس باقی مانده در منزل برای محاسبه میزان خمس آنها

۱- ابتدای سال مالی، اولین روزی است که فرد در آن درآمدی کسب کرده است (به عنوان مثال این زمان برای یک کارگر آن روزی است که اولین مزد خود را می‌گیرد یا برای یک کشاورز روزی است که اولین محصول خود را برداشت می‌کند) و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن روز است.

شد و بلافاصله مبلغ مشخصی را از اموال خود جدا کرد و آن را به یکی از نمایندگان امام خمینی رحمه الله علیه پرداخت کرد. آنگاه با خاطری آسوده، نفسی کشید و گفت: امروز سال مالی ام بود. خدا را شکر حالا اگر شهید شوم، بدهی شرعی ندارم.^۱



انفاق‌های مستحب

پس از آشنایی با خمس و زکات به عنوان دو مورد از انفاق‌های واجب، حال با دو مورد از انفاق‌های مستحب آشنا می‌شویم:

۱- قرض: قرض دادن نوعی انفاق مستحب است که بسیار بر آن تأکید شده است. این عمل تا آن اندازه ارزشمند است که در دین اسلام برای صدقه دادن ده ثواب و برای قرض دادن هجده ثواب قرار داده شده است. البته هر دو عمل از کارهای نیکو و مورد تحسین است؛ اما باید توجه داشت که در جامعه اسلامی، انسان‌های آبرومندی هستند که نمی‌خواهند از کسی صدقه بگیرند و قرض دادن به آنها موجب حفظ آبروی آنها می‌شود. از سوی دیگر انفاق مال در قالب قرض، فعالیت و کسب و کار را به دنبال خود دارد؛ زیرا کسی که صدقه می‌گیرد، به فکر بازگرداندن آن نیست؛ اما فرد قرض گیرنده باید کار کند تا مبلغ قرض را برگرداند.

۱- مهدی باکری در اندیشه و عمل، حسین علایی، چاپ اول، ص ۱۰۷.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دربارهٔ ارزش قرض دادن فرموده است :
«مسلمانی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده،
هم وزن کوه احد، حسنات خواهد داشت و اگر برای دریافت آن مدارا به خرج دهد، از
پل صراط همچون برق جهنده بدون حساب و عذاب خواهد گذشت».

البته در تعالیم معصومان از قرض گرفتن در حالت بی‌نیازی یا موارد غیرضروری نهی شده
است؛ چرا که درخواست از دیگران آبروی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد.
۲- **وقف** : وقف به این معناست که انسان در راه جلب رضایت خداوند مالکیت بخشی از
اموال و دارایی‌هایش را از اختیار خود خارج کند و استفاده از آن یا استفاده از درآمد آن را در اختیار
دیگران (عموم مردم، فقرا، ایتام، و...) قرار دهد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید :
«هنگامی که انسان مؤمن از این دنیا می‌رود، تمامی اعمال او قطع می‌شود؛ به جز سه
عمل : صدقه جاریه^۲، علمی که از خود به یادگار گذاشته است و فرزند صالحی که برایش
دعا می‌کند».

پیامبر اکرم بارها اموالی را برای استفادهٔ مسلمانان وقف کردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز
نخلستان‌ها و باغ‌های فراوانی ایجاد و چاه‌های آب زیادی حفر می‌کرد و بلافاصله آنها را برای استفادهٔ
مردم یا گروهی از آنان همانند یتیمان یا در راه ماندگان وقف می‌کردند.

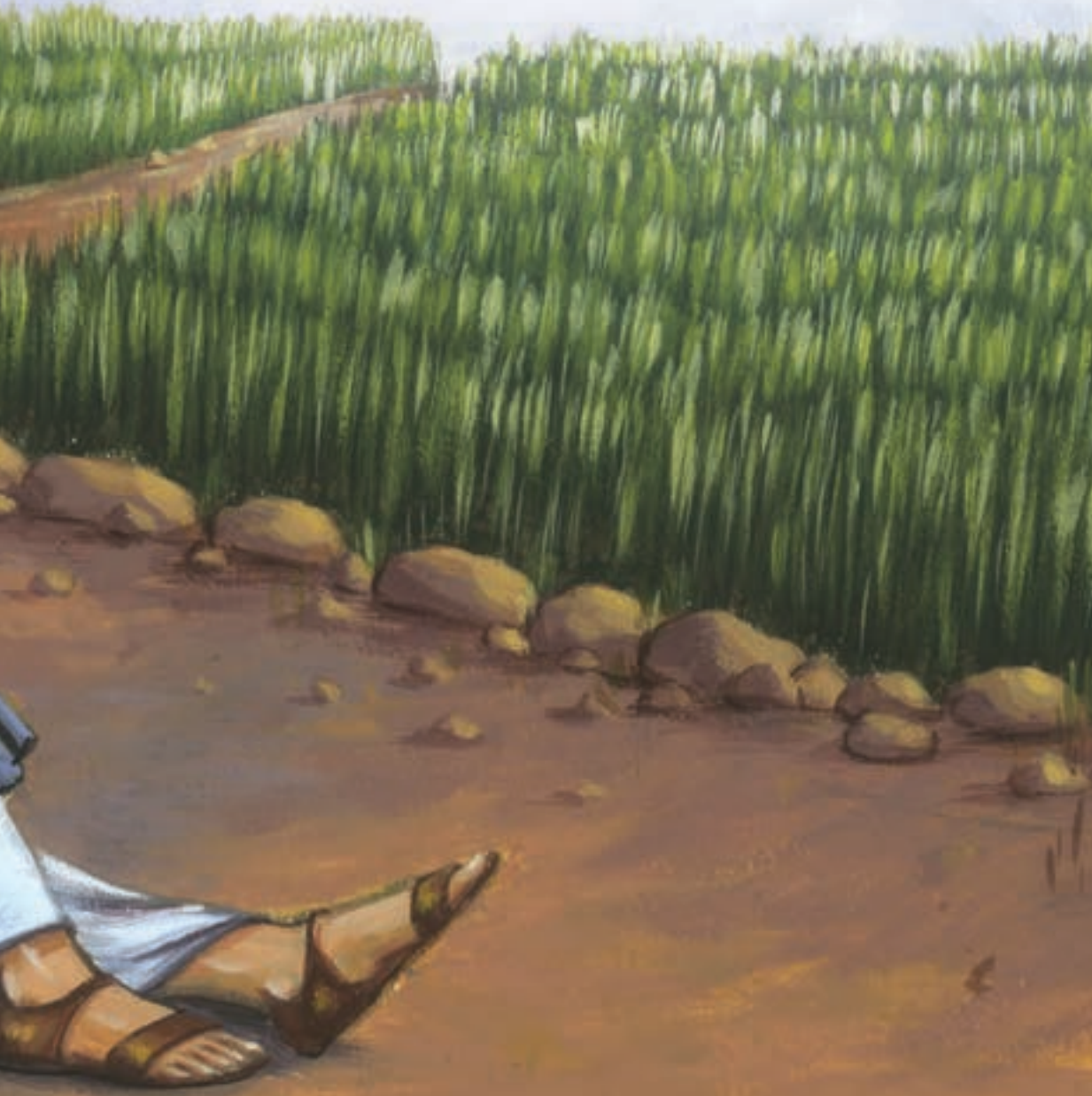
۱- ثواب الاعمال، ص ۴۱۴.

۲- با توجه به اینکه چیزی که وقف شده است، مردم همواره از آن استفاده می‌کنند و برکات آن جاری است، به آن صدقه جاریه گفته می‌شود.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲.

در یکی از وقف‌نامه‌های حضرت علی علیه السلام آمده است :

«علی، بنده خدا و امیرمؤمنان، دو مزرعه را برای فقرای مدینه و در راه‌ماندگان قرار داد، تا خداوند روز قیامت چهره او را از حرارت آتش مصون دارد. این اموال فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌شود، تا به دست وارث هستی (خدا) برسد».





در طول تاریخ اسلامی، وقف از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان تلاش می‌کردند تا در حد توان خود، بخشی از دارایی‌های خود را برای انجام کارهای خیریه وقف کنند. وقف معمولاً در این امور صورت می‌گرفت:

ساختن مسجد، حوزه‌های علمیه، کتابخانه‌های عمومی، مدارس و دانشگاه، بیمارستان‌های عمومی (در این بیمارستان‌ها فقرا کاملاً رایگان درمان می‌شدند)، خانه‌هایی برای یتیمان و بی‌سرپرستان و فقرا، وقف اموالی برای کفن و دفن فقرا، وقف آب‌انبار و تأمین آب آشامیدنی یا آب کشاورزی برای مردم، ساختن کاروانسراهایی در مسیر راه‌های زیارتی یا تجاری برای استراحت کاروان‌ها، خرید تجهیزات برای جنگ با کفار، ساختن پادگان‌ها و قلعه‌ها برای نظامیان و...

همان‌طور که می‌بینیم، نتایج وقف، منفعت رساندن به تمام مردم یا مردم مستحق است؛ بنابراین اگر در جامعه اسلامی وقف رایج شود، بسیاری از اموری که نفع آن به عموم مردم می‌رسد، توسط خود مردم انجام می‌شود و دیگر تمامی کارها بر دوش دولت قرار نمی‌گیرد.

خودت را امتحان کن

- ۱- انفاق را تعریف کنید و سه مورد از فواید آن را بیان کنید.
- ۲- یک انفاق واجب و یک انفاق مستحب را نام ببرید و هر یک را به صورت مختصر توضیح دهید.
- ۳- زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ آنها را نام ببرید.
- ۴- خمس به چه کسی پرداخت می‌شود و در چه راه‌هایی هزینه می‌شود؟

پیشنهاد

- ۱- با مراجعه به پدر و مادر خود چند مورد از موقوفات شهر خود را پیدا کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان معرفی کنید.
- ۲- با مراجعه به آیه ۲۶۱ سوره بقره، بیان کنید که خداوند در این آیه انفاق را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ به نظر شما خداوند با این تشبیه بر چه مسئله‌ای تأکید داشته است؟

الهی

ای خدای که من!

تو در این دنیا به من نعمت های فراوانی بخشیده ای

آن قدر که من از شردن آنها توانم

خدایا مرا از پیروان کسانی قرار ده که از مال دنیا به راحتی می گذشتند

و آن را در راه جلب رضایت تو هزینه می کردند.

خدایا اگر در اموال من حق و اجبی از دیگران وجود دارد آن را به من بشناسان

و مرا آن قدر توانا ساز که از مال دنیا بگذرم و آن را در راه تو انفاق کنم.

خدایا مرا وسیله خیر رساندن به سایر بندگانت قرار بده

به طوری که اگر کسی نیازی دارد من بتوانم نیاز او را برطرف نمایم.



شهید محمود کاوه

شهید مهدی زین الدین

شهید ابراهیم همت

شهید محمد پروجرادی

شهید حسین خرازی

شهید محمد جهان آرا

شهید مهدی باکری



جهاد

اسامی زیر را یکبار مرور کنید :

قابیل، أبرهه، اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، هیتلر، صدام، جرج بوش!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند، خیلی‌زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه دست می‌زنند.

این گروه - که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند - همواره بیشترین دشمنی را با حق دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد. به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفه مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟



جهاد در اسلام

کلمه جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است؛ اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی معنای دیگری نیز وجود دارد: مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام. جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است.





خداوند بزرگ دربارهٔ این عبادت ارزشمند در قرآن می‌فرماید :

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرد تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد [بنابراین آنان نیز] در راه خدا بیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این [موضوع] وعدهٔ حقی خداوند در تورات و انجیل و قرآن است و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!



در آیهٔ بالا خداوند جهاد را به یک داد و ستد تشبیه کرده است. به نظر شما در این داد و ستد، خریدار کیست؟ فروشنده‌گان چه کسانی‌اند؟ چه کالایی معامله شده است؟ بهای این کالا چیست؟

کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی‌خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می‌یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه‌ای است که هرگز شکست ندارد.

۱- سورة توبه، آیه ۱۱۱.

انواع جهاد

۱- جهاد دفاعی: وقتی دشمن به یک کشور اسلامی حمله می‌کند، بر همهٔ مسلمانان - مرد و زن، پیر و جوان - واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

دشمنان می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است. از این رو، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود نگه دارند، پیش از هر چیز نقشهٔ نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند. از این رو، هرگونه سستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان تلاش می‌کنند تا چهرهٔ بدی از جهاد در راه خدا نشان دهند. آنها به دروغ مسلمانان را به خشونت‌طلبی و جنگ‌افروزی متهم می‌کنند؛ در حالی که خودشان با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ (مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و ده‌ها جنگ دیگر در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین، یمن، لبنان و...) میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند و هر روز شعلهٔ جنگ‌های جدیدی را در دنیا برمی‌افروزند^۱.

آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی برای تکمیل نقشهٔ خود و هرچه زشت‌تر نشان دادن چهرهٔ اسلام و جهاد در راه خدا به سراغ برخی از مسلمانان نادان و تندرو می‌روند و با دادن وعدهٔ قدرت و ثروت به آنها سعی می‌کنند به اسم اسلام، جنگ‌هایی را در کشورهای اسلامی به راه بیندازند و مسلمانان را مظهر خشونت نشان دهند. در حالی که این افراد نه اسلام را به درستی می‌شناسند و نه رنگ و بویی از تعالیم پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ که مظهر عتوفت و مهربانی است، برده‌اند.

۱- تنها در بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی که توسط آمریکا و در سال ۱۹۴۵ میلادی صورت گرفت، حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. همچنین تعداد کشته‌شدگان جنگ جهانی دوم چیزی بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر تخمین زده شده است. در جنگ جهانی اول نیز، تنها در ایران که آن زمان، بیست میلیون جمعیت داشت، حدود ۸ میلیون نفر بر اثر قحطی ناشی از تهاجم انگلستان به کشورمان جان خود را از دست دادند؛ برای آشنایی با چگونگی قتل‌عام ایرانیان در آن زمان، می‌توانید فیلم «بیتیم خانهٔ ایران» ساخته ابوالقاسم طالبی را مشاهده کنید.

دلی به وسعت دریا!

دفاع مقدس هشت ساله ما یکی از نمونه‌های جهاد دفاعی است. جهادی که در آن مردان و زنان بسیاری با ایستادگی و از جان گذشتگی مانع تحقق اهداف دشمنان شدند. داستان زیر نمونه‌ای کوچک از رنج‌هایی است که جوانان این سرزمین در دفاع از دین و میهن خود به جان خریدند:

در روزهای سرد زمستان ۶۴ کار سخت و فشرده‌ای برای آموزش نیروهای غواص برای شرکت در عملیات آغاز شده بود.



سرماي زمستان در کارون طاقت فرسا بود. حتی بیرون آب و با لباس هم از شدت سرما می‌لرزیدیم. سرما در آب مضاعف می‌شد؛ طوری که اگر کسی مدتی بی حرکت می‌ماند؛ سرما او را از کار می‌انداخت. لباس‌های غواصی در فواصل آموزش خشک نمی‌شدند و بچه‌ها مجبور بودند هر بار لباس‌های خیس را بر تن کنند. این کار هر شبانه روز سه بار (از ساعت ۸ تا اذان ظهر، از سه بعد از ظهر تا اذان مغرب و از نیمه شب تا سه بامداد) تکرار می‌شد و در واقع هیچ‌گاه سرما از وجود آنها رخت بر نمی‌بست. باورش سخت بود که این نیروها که میانگین سنشان حدود هفده سال بود، این گونه دوام بیاورند و این همه فقط با نیروی عشق ممکن بود و بس. در ساعات استراحت، عزاداری و سینه‌زنی یکی از برنامه‌های بچه‌ها بود که ترک نمی‌شد. عشق اهل بیت، خورشیدی در درون بود که با وجود حرارت آن، خشونت و سرما نمی‌توانست ما را از پای درآورد.

در آن جمع، محمود نوجوانی بود که حتی قبل از اینکه وارد آب شود از شدت سرما می‌لرزید و تا وارد آب می‌شد، عضله‌های پایش می‌گرفت. یک بار در مقابل چشمانم بی‌هوش شد. همه بدنش کرخت شده بود و قدرت حرکت نداشت. به سرعت از آب خارجش کردم. مدتی طول کشید تا حال خود را باز یافت. وقتی متوجه شد که بیرون آب است، شروع کرد به گریه کردن که چرا نمی‌گذارید من هم غواصی را یاد بگیرم تا جزو غواصان خط شکن باشم...

جهاد با سرکشان: اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزه مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعه اسلامی با ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعه اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف با آنان رفتار می‌کند. ولی اگر این افراد از مدارای جامعه اسلامی سوء استفاده کنند و به مبارزه خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور حاکم اسلامی، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعه اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی علیه السلام با خوارج نهروان در صدر اسلام، نمونه‌ای از این نوع جهاد است. همچنین مبارزه نظام اسلامی با گروهک تروریستی منافقین نیز نمونه‌ای دیگر از جهاد با سرکشان است.



۲- جهاد ابتدایی: خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ این ناتوانان همان کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده. کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت^۱ می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.^۲

این آیات به روشنی، حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطه خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است - به دستور پیامبر یا امام یا ولی مسلمین - با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

۱- مُسْتَضْعَف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.

۲- شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است. تفسیر

نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳- سوره نساء، آیه‌های ۷۵ و ۷۶.



معین کنید که هر یک از نمونه‌های زیر به کدام یک از انواع جهاد مربوط اند.

- ۱- جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست
- ۲- جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح در کشور
- ۳- جنگ هشت ساله ایران در برابر ارتش صدام
- ۴- جهاد مردم مظلوم یمن در برابر حملات وحشیانه سعودی‌ها



کسب آمادگی برای دفاع

تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفه همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا به حال اندیشیده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟ افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان ایستادگی کنند و آنان را شکست دهند؟



خداوند حکیم در این باره می‌فرماید :

وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ

و هر چه در توان دارید برای

مقابله با آنها آماده کنید.

از قبیل نیرو و اسب‌های ورزیده

تا با این کار دشمن خدا و دشمن

خودتان را بترسانید*

وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟ اگر کشوری در اوج آمادگی و مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به آن کشور را در سر نخواهد داشت؛ بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایده مهم دیگری دارد که همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید :

سوارکاری و تیراندازی کنید (اگر تیراندازی کنید، نزد من دوست‌داشتنی‌تر از

سوارکاری است). خداوند بلندمرتبه سه نفر را به واسطه یک تیر به بهشت می‌برد :

۱- مسلمانی که تیر را می‌سازد؛

۲- مسلمانی که برای رضای خداوند تیرها را تهیه می‌کند و به دست رزمندگان می‌رساند؛

۳- رزمنده‌ای که تیر را در راه خداوند به سوی دشمن پرتاب می‌کند.^۲



*آیه با ترجمه حفظ شود.

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰.



با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو و بررسی کنید و بگویید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم.

- ۱- اگر مردم کشوری که دشمنان به آن سرزمین حمله کرده‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟
- ۲- جهاد دفاعی در چه زمانی و بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- اگر در جامعه اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بپردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟
- ۴- با توجه به فرمودهٔ پیامبر ﷺ توضیح دهید که آیا در جهاد با دشمنان اسلام، پادشاه خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند.

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

وصیت‌نامهٔ یکی از شهیدان را مطالعه کنید و نکاتی را که در این وصیت‌نامه برای شما مهم و جالب به نظر می‌رسد، برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانید.

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقه تیراندازی با شور و هیجان در حضور هشام بن عبدالملک، خلیفه ستمکار بنی امیه و بزرگان کشور ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر را وارد می‌کنند. امام علیه السلام در گوشه‌ای می‌نشیند. هشام مدت‌ها دنبال فرصتی برای تحقیر امام بود و حالا این فرصت را به دست آورده است:

— ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

امام علیه السلام می‌فرماید: ای هشام، بهتر است از من صرف‌نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

— اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می‌بیند، کمان را می‌گیرد و تیری در کمان می‌گذارد و زه کمان را با قدرت می‌کشد. تیر پر می‌کشد و در وسط هدف می‌نشیند. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. دهان‌ها از تعجب بازمانده‌اند.

یعنی درست می‌بینند؟! این تیراندازی یک پیر مرد بود؟!!

امام بدون آنکه سخنی بگوید، بلافاصله تیر دوم را در کمان می‌گذارد و ...

باور کردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می‌خورد و آن را می‌شکافد و به جای آن می‌نشیند.

نهمین تیر که در هدف می‌نشیند، امام علیه السلام کمان را به دست صاحبش می‌دهد و برمی‌گردد.

چشم‌ها به تیرهای درهم فرو رفته خیره مانده است. زبان هشام از تعجب بند آمده است. در حالی که سعی می‌کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و آرام می‌گوید: ... آفرین! آفرین! آفرین! ای ابا جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموختی؟

امام علیه السلام با آرامش می‌فرماید: جوان که بودم، گاهی تمرین می‌کردم.^۱



- قرآن كريم
- نهج البلاغه
- صحيفه سجاديه
- امالي صدوق، ابن بابويه، محمد بن علي، تهران، كتابجي، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الانوار (ط- بيروت)، مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، تحقيق: جمعى از محققان، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ ق.
- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ هـ / ۱۹۹۵ م.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحقيق على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
- تفسير نمونه، مكارم شيرازى، ناصر، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
- نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابويه، محمد بن على، قم، دار الشريف الرضى للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- حموى، ياقوت، معجم البلدان، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
- خصال، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ ش.
- سير أعلام النبلاء، ذهبى، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۳ م.
- شرح نهج البلاغه، ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، تحقيق ابراهيم، محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۴ ق.
- صحيفه سجادية، على بن الحسين عليه السلام، قم، دفتر نشر الهادى، ۱۳۷۶ ش.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق مهدى لاجوردى، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.

- غررالحكم و درر الكلم، تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، دارالكتاب الإسلامى، ١٤١٠ ق.
- فيزيكدانان غربى و مسئله خدا باورى، مهدي گلشنى، تهران، كانون اندیشه جوان، ١٣٨٩ ش.
- كافي، كلينى، محمد بن يعقوب، تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دارالكتب الإسلاميه، ١٤٠٧ ق.
- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندى.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نورى، حسين بن محمد تقى، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ ق.
- مفاتيح الجنان، قمى، شيخ عباس.
- من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ ق.
- ميزان الحكمة، محمدى رى شهرى، تحقيق دار الحديث، قم، دار الحديث، ١٣٧٥ ش.
- نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، تحقيق صالح، صبحى، قم، هجرت، ١٤١٤ ق.
- وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق.



